



CrossConnect  
MINISTRIES

# وفاداری خدا

## امید ما

جکی اوسچ

پیدایش ۲۴-۳۳

درس ۱: همسری برای اسحاق - تو دختر چه کسی هستی؟

درس ۲: منفور و فریب خورده - حق نخست زادگی و برکت

درس ۳: یعقوب فرار می کند - اکنون عیسو از یعقوب نفرت دارد

درس ۴: فریب دهنده فریب می خورد - از بئرشبع تا حران

درس ۵: تولد پسران یعقوب - او راحیل را بیشتر از لیه دوست می داشت

درس ۶: یعقوب با خداوند کشتی می گیرد - عبور از رودخانه یبوق

“... من کلام تو را در دل خود حفظ می کنم و به خاطر می سپارم...”

مزمور ۱۱۹: ۱۱

## شروع کنیم

شما جستجویی را آغاز می‌کنید که بقیه زندگی شما را شکل خواهد داد. این سفر برای شما کاملاً تازه و بی‌نظیر است و نقش مهمی را در اشتیاق و علاقه شما در رشد و درک کتابی به نام کتاب مقدس خواهد داشت. تعهد و کوشش شما در این درس، شما را پر بار می‌سازد زیرا خدا از طریق کلامش با شما گفتگو می‌کند.

جهت این دوره آموزشی توصیه می‌شود لوازم زیر را تهیه فرمایید:

۱- این کتاب: وفاداری خدا، امید ما.

۲- کتاب مقدس فارسی تفسیری یا مژده برای عصر جدید و در صورت لزوم کتاب مقدس انگلیسی ESV.

کتاب آیه یاب و چند نقشه جغرافیایی که معمولاً در پشت کتاب مقدس یافت می‌شود.

۳- مداد یا خودکار

۴- کارت برای یادداشت در اندازه‌های ۵×۳ یا ۶×۴

اگر برای نخستین بار با کتاب مقدس آشنا شده‌اید، بهتر است که با مطالعه کتاب «سیری در کتاب مقدس» شروع کنید. هر چند که این کتاب را توصیه می‌کنیم، اما به عنوان بخش لازم و ضروری برای مطالعه کتاب کنونی به نام «وفاداری خدا، امید ما» محسوب نمی‌شود.

به کار بردن مداد رنگی یا قلم جوهری رنگی (هایلایت) را برای خط کشیدن زیر عبارات و یا کلمات توصیه می‌نماییم. می‌توانید از دفتر و یا کارت‌های نت‌برداری برای ثبت افکار و نظریات خود استفاده نمایید تا شما را در این سیر و سفر در کتاب مقدس کمک نماید.

این درس‌ها به صورتی تهیه شده‌اند که اگر مایل باشید می‌توانید به تنهایی آنها را مطالعه کنید. با برنامه‌ای منظم و روشی مثبت قادر خواهید بود این درس را به آسانی بیاموزید. در عین حال که اطلاعات جدیدی به دست می‌آورید، با در میان گذاشتن عقاید خود، سوالات پیچیده‌ای را که نیاز به پاسخ دارند، مطرح نمایید. با در نظر گرفتن این پاسخ، شما را تشویق می‌کنیم که چند نفر از دوستان خود را برای شرکت در مطالعه این درس دعوت نمایید.

امیدوارم که از مطالعه خود لذت ببرید و قلب شما آماده دریافت کلام خدا باشد. امیدوارم که داستان‌های کتاب مقدس قلب شما را نسبت به محبت عظیم خداوند که از طریق پسرش عیسی به ما عطا فرمود، اطمینان بخشد.

# درس اول

## تو دختر چه کسی هستی؟

پیدایش ۲۴ – همسری برای اسحاق

---

بررسی اجمالی درس ۱

بررسی

۴

مقدمه

درس ۱: پیدایش ۲۴

۵

• دستورات ابراهیم به خدمتکارش

۷

• خدای ابراهیم، خدای خدمتکارش بود

۹

• ربکا معرفی شد

۱۱

• تدارکات ازدواج

۱۴

• وفاداری خداوند

## مقدمه درس ۱

ابراهیم پیر بود و فرهنگ آن زمان مقرر کرده بود که زمان آن است که پدر برای پسر همسری بیابد. در درس اول دقت کنید که فرهنگ‌ها ممکن است برای شما آشنا و ناآشنا باشند. محافظت و مراقبت ابراهیم از پسرش که تحت وعده برکت خداوند بود، مشاهده کنید.

این زن چه کسی می‌توانست باشد؟ کجا می‌توان این زن را یافت؟ اسحاق چه نظری نسبت به زنی که پدرش انتخاب کرده است دارد؟ جواب تمام این سوالات را در پیدایش ۲۴ می‌خوانیم.

این سرگذشت بسیار ساده است، اما سوالاتی که به وجود می‌آید، سوالاتی است که به ما کمک می‌کند بر نگرانی و توجه پدر برای همسر آینده پسرش تمرکز کنیم و به تعهد و وظیفه‌شناسی خدمتکار نسبت به خواسته اربابش توجه نماییم. و نقش حمایت‌کننده خانواده بزرگ و گسترده و محبت آرامش‌بخشی که یک همسر برای شوهرش به وجود می‌آورد، در نظر بیاوریم. تصور کنید که یک عروس پارسا و خدانشناس با محبتی که به شوهرش می‌دهد، چه هدیه بزرگی برای پدر شوهر خود محسوب می‌شود. زیرا با محبت کردن به شوهرش، در واقع محبت عمیق و پایدار خدای پدر را نسبت به پدر شوهر خود نشان می‌دهد.

وقت آن است که شروع کنیم! کتاب مقدس را در بخش پیدایش ۲۵ باز کنید و کلمات آیه ۱۹ را بنویسید:

---

---

## بخش ۱

**مقدمه:** پیدایش چندان صحبتی درباره اسحاق، فرزند ابراهیم و سارا نمی‌کند. آنچه درباره او می‌آموزیم، داستان‌هایی است که درباره خانواده‌اش، همسرش ربکا و دو پسرشان یعقوب و عیسیو نقل شده است. اسحاق فرزند وعده و وارث برکات عهد خداوند با ابراهیم بود. چنانچه در دروس کتاب «وعده خدا، برکت ما» دریافتیم، عهد خداوند عبارت بود از وعده بدون قید و شرط عطای سرزمین، دارایی و نسل او. اما ابراهیم و سارا فرزندی نداشتند و مانند بیگانه‌ای در سرزمینی ناآشنا زندگی می‌کردند. خدا به ابراهیم گفت که او پدر ملت‌ها خواهد بود. امید ابراهیم در این بود که خدا را می‌شناخت و ایمان داشت که خدا وعده‌هایش را با وفاداری به جا می‌آورد.

کتاب «وعده خدا، برکت ما» در پیدایش با درگذشت ابراهیم به پایان رسید. اما پیش از آنکه ابراهیم بمیرد، آرزوی این بود که همسری برای اسحاق بیاید. پیدایش ۲۴ داستان چگونگی انتخاب ربکا را نقل می‌کند. این فصل با گفتگویی بین ابراهیم و رییس خدمتکارانش شروع می‌شود. نام خدمتکار را نمی‌دانیم. در کلام از او به عنوان خدمتکار و یا مرد نام برده می‌شود.

قبل از آغاز، یک یادآوری می‌کنم... در حالیکه این داستان و یا داستان‌های دیگر این درس را می‌خوانیم، به این موارد ادامه دهید: (۱) در جستجوی واقعیت‌های داستان باشید. (۲) نسبت به حقایق که درباره خدا و خودمان چه می‌آموزیم، هشیار باشید. (۳) پرسش‌های مهمی که شما را به نحوه کاربرد داستان هدایت می‌کند و چگونه این حقایق در زندگی امروزه ما منطبق می‌شود، مطرح نمایید.

**تکلیف:** پیدایش ۲۴ را مطالعه کرده و در دفترتان نظریات و عبارات و حتی شرایطی را که نمی‌فهمید یادداشت نمایید. هرچه که به نظرتان غیر عادی می‌آید اما به نظر می‌رسد که فرهنگ آن را تعیین می‌کند، بنویسید.

**تمرین:** برای شروع، ببینیم داستان چه می‌گوید.

۱- آیه ۱: حالا ابراهیم پیر است و «در سنین کهولت» به سر می‌برد. می‌دانیم وقتی که سارا مرد ابراهیم ۱۳۷ سال داشت و او خود در سن ۱۷۵ سالگی درگذشت. آیه ۱۰ می‌گوید: «خداوند ابراهیم را از هر جهت برکت داد.» اندکی فراتر به پیدایش ۲۴: ۳۵ نظر کرده و برکاتی را که در این آیه برای ابراهیم ذکر شده است، بنویسید \_\_\_\_\_

۲- آیات ۲-۴: ابراهیم رئیس خدمتکاران خود را صدا کرد. چه تکلیفی به خادم خود داد؟ \_\_\_\_\_

۳- چه دستوراتی ابراهیم به خادم خود داد که او سوگند یاد کرد که همه دستورات او را به جا آورد؟ \_\_\_\_\_

**تعلیم:** لازم است که بررسییم: چرا برای ابراهیم آنقدر اهمیت داشت که پسرش با یک زن کنعانی ازدواج نکند؟ کنعانی‌ها چه کسانی بودند؟ درباره آنها چه می‌دانیم؟ برای آنکه پی ببریم آنها چه کسانی بودند، بایستی به پیدایش ۱۰: ۱۵-۱۹ نگاهی بکنیم. درباره این مردمان چه می‌آموزیم؟

---

مردم کنعان خدایان دروغین که از چوب ساخته شده بودند پرستش می‌کردند و از تعلیمات خدای واقعی، خدای ابراهیم پیروی نمی‌کردند. این قبایل قومی می‌شدند که هنگامی که اعقاب ابراهیم سرزمینی را که میراث آنها بود به دست می‌گرفتند، می‌بایستی نابود گردند.

موارد دیگری نیز درباره کنعانی‌ها در پیدایش ۱۰: ۲۰ می‌آموزیم. این قوم از نسل \_\_\_\_\_ پسر نوح بودند. اسلاف حام به علت بی‌شرمی و بی‌احترامی حام نسبت به پدرش لعنت شده بود (پیدایش ۹: ۲۵-۲۷).

در پیدایش ۲۴: ۴ به خادم گفته می‌شود کجا برود؟

---

بایستی مسئله بسیار مهم دیگری را نیز به خاطر آوریم. خدا عهد و پیمان خود را با ابراهیم بست. اصل و نسب از سام به ابراهیم و در نهایت تا به اسحاق رسید. پیمان ابدی با ابراهیم و نسل او بسته شد (پیدایش ۱۷). این یک تصمیم مذهبی برای ابراهیم بود. به جای امر ازدواج با قبایلی که لعنت شده بودند، و از اصل و نسب او نبودند، و مهم‌تر از همه شامل برکت عهد و پیمان او با خدا نمی‌شدند، از این رو ابراهیم از خادم خود خواست که به کشور قدیمی خود حاران رفته و از میان اقوام و خویشان خود همسری برای اسحاق جستجو کند. قرارداد و تعیین ازدواج برای پسر و یا دختر از طرف والدین، سنت مطلوب فرهنگی آن زمان بود.

## بخش ۲

**مقدمه:** حال به مسئولیت سنگین رییس خادمین در یک خانواده پی می‌بریم. قبل از ادای سوگند، بایستی درباره مسئله گفتگو شود.

### تمرین:

۱- آیه ۵: خادم چه سوالاتی کرد؟

---

۲- ابراهیم چه پاسخی داد؟ (آیه ۶)

---

۳- ابراهیم چه دلیلی داشت؟ (آیه ۷) پیدایش ۱۲: ۱-۳ را بررسی کنید.

---

**تعلیم:** خدا ابراهیم را از سرزمین حران بیرون آورد و به سرزمین کنعان رساند. هنگامی که او را از حران بیرون آورد به او وعده داد که سرزمین، نسل و ثروت به او می‌بخشد. خدا سرانجام وعده‌های خود را به انجام رساند و به او املاک (زمین)، فرزند (نسل)، و پیشرفت (ثروت) بخشید. تمام آنچه که خداوند به ابراهیم وعده داد گاهی اوقات به نام سه بخش معاهده نام برده می‌شود. («سفت» سرزمین، فرزند، ثروت).

حال ابراهیم به خادم خود می‌گوید همان خدایی که او را (ابراهیم) از سرزمین حران بیرون آورد، با او (خادم) خواهد آمد. اما از آنجایی که ابراهیم از حران بیرون آمده بود، پسرش به عنوان بخشی از عهد و پیمان نمی‌بایستی به حران بر می‌گشت. او فراخوانده شده بود که سرزمین قدیم خود را ترک کند و به سرزمینی جدید قدم بگذارد. او و اعقابش عهدی جدید از جانب خدا دریافت نمودند که در پیمان ابدی خداوند مهر شده بود (پیدایش ۱۷). او خوانده شده بود که آغازی نو و پیدایشی نوین بسازد.

**بازتاب:** در این قسمت از این سرگذشت چند مورد ممکن است به فکرمان خطور کند. وارد جزئیات نمی‌شویم، اما از قدرت تصورات و تخیلات خود یاری بگیرید و در نظر آورید:

۱- فکر می‌کنید ابراهیم با پسرش مانند یک پادشاه که وارث تاج و تخت است رفتار نمود؟ ابراهیم کارهای خداوند را در زندگی خود تجربه کرده بود. خداوند از طریق اسحاق وعده خود را به ابراهیم عملی ساخت- در تمام موارد از هنگام تولد تا زمانی که بایستی به کوه موریا برای قربانی کردن اسحاق برود- ابراهیم می‌دانست که دست حفاظت خداوند و رحمت و برکت او از کودکی با اسحاق بوده است. و حال، ابراهیم به عنوان مردی که نسل می‌دانست که همان خدا، همسری برای پسرش فراهم خواهد کرد. همان خدا که وعده داد «فرشته خود را نیز می‌فرستد (پیدایش ۲۴: ۷)» و،

---

اگر آن زن مایل نبود که با خادم ابراهیم برگردد (آیه ۸)

---

۲- نکته دیگر... به عنوان عضوی از خانواده ابراهیم، این خادم ختنه شده بود. او نیز تحت برکت عهد ابدی خداوند در پیدایش ۱۷ قرار گرفت. به خاطر رابطه‌اش با ابراهیم، فیض خدا شامل حال او نیز شد. او نیز همراهی و محافظت خداوند را مانند اربابش تجربه کرد. خادم ابراهیم از این امر آگاهی داشت زیرا ابراهیم آن را تایید کرده بود. خادم ابراهیم می‌دانست که اسحاق بخشی از وعده خداست همانطور که خدا با ابراهیم بوده است، به خاطر ابراهیم خدا وعده خود را در مورد خادم نیز انجام می‌دهد. و بنابراین نزد ابراهیم سوگند خود که دستورش را به جا آورد (آیه ۹). نظریات خود را بنویسید:

---



### بخش ۳

**مقدمه:** خادم با چند شتر و سایر کالاها که ثروت ابراهیم را نشان می‌داد، به سوی آرام، منطقه رود تگریس و فرات، و به حران، شهری که ناحور می‌زیست به راه افتاد. آرام در شمال غربی مسوپوتامیا که امروزه سوریه نام دارد قرار گرفته است.

### تمرین:

۱- ابراهیم ده شتر و انواع کالاهای خوب را با خادمش فرستاد. خادم به آرام آمد و در مکانی خارج از شهر نزدیک چاه آب مسکنی برای خود یافت (آیه ۱۱). هنگامی که وارد شد \_\_\_\_\_ آن بود و حدوداً وقتی که آن \_\_\_\_\_ آمد که آب بکشد.

۲- با کلمات خود دعای او را بنویسید (آیات ۱۲-۱۴): \_\_\_\_\_

۳- خادم دعا کرد که خداوند رحم و محبت خود را با موفقیت به ابراهیم عطا نماید. چه نشانی بود که خادم بداند دختری که خدا برای اسحاق برگزیده است می‌بیند؟ \_\_\_\_\_

۴- قبل از تمام شدن دعا چه اتفاقی افتاد؟ (آیه ۱۵) \_\_\_\_\_

۵- آیه ۱۵ درباره ربکا چه می‌گوید؟ ربکا چه خوبشاوندی با ابراهیم داشت؟ پدرش چه کسی بود؟ \_\_\_\_\_  
همچنین پیدایش ۱۱: ۲۷-۲۹ و پیدایش ۲۲: ۲۳ را ببینید.

۶- در آیه ۱۶ ربکا چگونه توصیف شده است؟ \_\_\_\_\_

۷- ربکا سطلش را از آب چاه پر کرد. خادم با عجله به دیدار او رفت و درخواست یک \_\_\_\_\_ . آیات بعدی ذکر می‌کنند که پس از آن ربکا چه کرد؟ همه چیز همانطور که خادم درخواست کرده بود \_\_\_\_\_ . او به خادم یک \_\_\_\_\_ و پس از آن خواست که \_\_\_\_\_ به آن \_\_\_\_\_ تا سیر شوند.

### بازتاب:

۱- وقتی که به این وقایع فکر می‌کنید، خادم توقع بسیار زیادی داشت که ده تا شتر آب بخورند تا سیراب شوند! چند بار دختر بایستی به چاه برود و آب بیاورد تا ظرف شترها پر از آب شود!

۲- آیه ۲۱ به نظر می‌رسد که اشاره دارد که خادم اقدام \_\_\_\_\_ به کمک کرد اما خیلی ساده \_\_\_\_\_  
به زن در \_\_\_\_\_ یاد بگیرد که آیا آن «\_\_\_\_\_».

۳- در آیه بعدی، مرد یک حلقه طلا و دو انگوی طلا به ربکا داد و سپس از ربکا پرسید که کیست و آیا می‌تواند  
شب را در خانه پدرش به سر برد؟ در آیه ۲۵ ربکا به خادم چه چیزی تعارف می‌کند؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۴- خادم بلادرنگ چه پاسخی می‌دهد؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۵- به چه دلیل خادم خدا را پرستش می‌کند و از او سپاسگزاری می‌نماید (در آیه ۲۷)؟

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

## بخش ۴

**تعلیم:** آیات ۷ و ۲۷ وفاداری خداوند را در مورد وعده‌اش به یاد ما می‌آورد. خداوند وعده خود را نگاه می‌دارد. کلام او حقیقت است. در کتاب وعده خدا، برکت ما، زندگی ابراهیم را مطالعه کردیم و دیدیم که او برای انجام وعده خدا صبر کرد. باید در نظر داشته باشیم که وفاداری خدا نسبت به وعده‌اش بر طبق برنامه و زمان ما نیست. شرایط زندگی دنیوی ما با تمام شتاب و عجله‌ای که داریم می‌تواند نحوه تفکر و انتظارات ما را تغییر دهد. اغلب در این فکر هستیم که وفاداری را تعریف کنیم، بدون آنکه بگذاریم خداوند به ما آن را بیاموزد. در ضمن شناختن خدا و رشد رابطه‌مان با او، درک و شعور لازم را برای فهمیدن معنی وفاداری خدا و اعتماد کردن به وفاداری او را به ما می‌دهد.

مورد دیگری که باید در نظر داشته باشیم این است که وعده‌های ما با وعده‌های خداوند تفاوت دارد و ما نباید انتظار داشته باشیم که او وعده‌های ما را نگاه دارد. وعده‌های ما از جانب ماست و نه از او. اما در هر صورت، وعده‌های او بر وعده‌های ما سبقت دارد. او وعده می‌دهد که وفادار است و به وعده خود عمل می‌کند. من می‌توانم قول بدهم که وفادار خواهم بود، اما طبیعت گناهکار من ممکن است وفادار نباشد. شاید من به کودکی وعده‌ای بدهم، اما شرایط ایجاب کنید که آن وعده را به جا نیاورم. اغلب به دلیل شرایط انسانی، با خداوند مانند یک انسان رفتار می‌کنم که یا من یا خدا ممکن است نتواند به وعده ما وفادار بماند. واقعیت وفاداری ایجاب می‌کند که کسی که به خدا و یا انسان دیگری وعده‌ای می‌دهد، می‌خواهد که قول خود را نگاه دارد. این خصوصیت و شخصیت خداوند باید به صورت بخشی از شخصیت ما در بیاید چنانکه او به خلقت ما ادامه می‌دهد و ما را به شباهت خود بازسازی می‌نماید. به خاطر داشته باشید که منظور از به شباهت او، نقشه اصلی خدا در پیدایش ما: ۲۷ می‌باشد.

## تمرین:

۱- آیات ۲۸-۳۳: ربکا به سوی خانه دوید تا آنچه را که اتفاق افتاده بود به مادرش بگوید. لابان برادر ربکا، شتابان خود را به نزدیک چاه آب رسانید که خادم را ملاقات کند و ربکا را دید که حلقه و انگوها را به دست کرده است. لابان شرح وقایع را از خواهرش شنید. سپس به سوی خادم رفته او را به اتفاق همراهانش و همچنین شترها، به خانه‌اش دعوت نمود که شب را آنجا سپری کنند. قبل از آنکه خادم غذایی را که برای او تدارک دیده بودند بخورد، به پدر ربکا، بتوئیل و برادرش لابان گفت که منظور از سفر چه بوده است.

۲- در آیات ۳۴-۴۹ خادم به طور مشروح از آنچه رخ داده بود سخن گفت. با دستورات ابراهیم آغاز کرد و تا زمانی که عملا حلقه و دو انگو را به ربکا داد، توضیح داد. از تمام حقایقی که او به آن اشاره کرد، فکر می‌کنید کدام واقعیت مهم بود؟

۳- این امر به قدری اهمیت داشت که خادم جواب سوال خود در آیات ۲۳ و ۴۷ «دختر چه کسی هستی» را دریافت نمود. در پیدایش ۲۴: ۴ ابراهیم به چه چیزی اصرار کرده بود؟

---

۴- مهم‌تر از همه اینکه بار دیگر خداوند مهیا کرده بود. در پیدایش ۲۲: ۱۳ خداوند گوسفند را مهیا کرده بود و حالا همسری برای اسحاق فراهم کرد. بار دیگر خداوند وفاداری و رحم و شفقت خود را نسبت به ابراهیم نشان داد. لابان و بتوئیل نیز دست‌های خداوند را در این کار مشاهده نمودند. پاسخ آنها در آیات ۵۰-۵۱ چیست؟

---

۵- هدایایی که به ربکا و خانواده‌اش رسید، قرارداد بین دو خانواده را به وجود آورد. خادم به ربکا چه هدایایی داد؟

---

۶- به برادر و مادرش چه هدیه‌ای داد (آیه ۵۳)؟

---

۷- در آیات ۵۴-۶۱ لابان و مادرش برای فرستادن ربکا به همراه خادم که به همسری اسحاق در آید تدارک دیدند. هنگام صبح خادم آماده بود که به خانه اربابش برگردد. او آماده بود که توفیقی را که خداوند به او داده بود در دست گیرد. در آیه ۵۵ خانواده چه درخواستی کردند؟

---

۸- اما خادم اصرار ورزید. خانواده از ربکا اجازه گرفت و او را با پرستار و مستخدمش روانه خانه ابراهیم کردند. برکتی را که در آیه ۶۰ برای او فرستادند بنویسید:

---

۹- آیات ۶۲-۶۷ درباره اتفاقاتی است که وقتی اسحاق ربکا را ملاقات می‌کند.

الف. اسحاق کجا بود؟

---

ب. ربکا اسحاق را می‌بیند و می‌پرسد

---

پ. خادم به او می‌گوید که اسحاق ارباب اوست و ربکا چه می‌کند؟

---

ت. اسحاق گزارش خادم را شنید. اسحاق چه می‌کند؟

---

احتمالاً اسحاق و ربکا جشنی برای ازدواج‌شان برپا نکردند. می‌دانیم که رابطه جنسی بین مرد و زن ازدواج را رسمیت می‌دهد.

ث. ربکا همسر او شد و می‌دانیم که اسحاق او را دوست داشت. ربکا چه چیزی برای اسحاق آورد که آرزویش را داشت؟ \_\_\_\_\_ راحتی و آرامش  
یک همسر رضایت و دوست داشتن را در شوهر به وجود می‌آورد.

## بخش ۵

درباره خدا چه می‌آموزیم؟ پیدایش ۲۴ را دوباره بخوانید. ضمن مطالعه با مداد رنگی زیر کلماتی را که برای توصیف شخصیت خدا به کار رفته است خط بکشید و کلمات و عباراتی را که نشان می‌دهد که آیه و یا آیات را کجا می‌توان یافت بنویسید.

### آیه – آیات

---

---

### کلمات و عبارات

---

---

کلمات محبت و پایدار و وفاداری در آیه ۲۷ به کار رفته‌اند و نیز در آیه ۴۹. خادم محبت و وفاداری خدا را نسبت به ابراهیم دیده بود و حال این صفات خدا را در مورد خودش تجربه می‌کرد.

### پرسش‌های کاربردی:

۱- وفاداری در تعهد به انجام کلامی که گفته شده است یافت می‌شود. اطمینان از وفاداری تغذیه می‌شود. تعهد ازدواج مرد و زن را بر آن می‌خواند که به یکدیگر وفادار بوده و به یکدیگر متعهد بوده و پایداری نمایند. وقتی که تعهد شکسته می‌شود، اعتماد از بین می‌رود. وفاداری یعنی آنچه که یک نفر ابراز می‌دارد، به آن پایدار است و عمل می‌کند. تجربه شما در مورد وفاداری چگونه بوده است؟

الف. چه کسانی وفاداری را به شما آموختند؟

---

ب. چه کسی به شما خیانت کرده است؟ چه تجربه‌ای داشتید؟

---

۲- آیا با وفاداری خداوند دست به گریبان هستید؟ چه چیزی درباره خدا آموخته‌اید؟ چه تجربه‌ای از وفاداری خداوند دارید؟

---

۳- چه تعهدی کرده‌اید که شما را قادر می‌سازد وفاداری را نشان دهید؟ زمان‌هایی را در نظر آورید که دیگران با وفاداری شما روبرو شده‌اند و تعهد شما اطمینان به وجود آورده است.

---

**عمیق تر بکاویم:** وفاداری خداوند از شخصیت او جدا نیست. در دوم تیموتائوس ۲: ۱۳ ما اطمینان می‌یابیم که حتی اگر ما \_\_\_\_\_ ، خداوند \_\_\_\_\_ برقرار می‌ماند. زیرا او نمی‌تواند خودش را \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ . خدا همان است که هست. وفاداری یکی از صفات خداوند است. این صفت به ما می‌گوید که جوهر و اصل او این است. او وفادار است. می‌توان گفت که وفاداری بخشی از وجود خداست. نمونه دیگر از صفت خدا وقتی است که کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدا محبت است. محبت نیز یکی از صفات وجود خداست. وجود او به سادگی محبت است. کتاب مقدس همچنین از صفت دیگری از خدا که عادل است صحبت می‌کند. یک مرجع درست اول یوحنا ۱: ۸-۱۵ می‌باشد. دو تا از صفات خدا که در این آیات ذکر شده کدامند؟ \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ . او وفادار و عادل است زیرا گناهان ما را بخشید. این آیات به ما می‌گویند که وقتی که ما به گناهان خود اعتراف کنیم، او ما را می‌بخشد. او در این کار وفادار است. اما اگر ما به خود و به خدا درباره گناهانمان دروغ بگوییم، وعده او جایی در زندگی ما ندارد زیرا او عادل نیز هست.

**دعا:** خدایا، تو نسبت به ابراهیم رحیم و وفادار بودی. همانطور که وعده خود را به او نگاه داشتی، از تو سپاسگزارم که با من نیز رحیم و وفادار بوده‌ای. اما باید به تو بگویم که با محبت پایدار و وفاداری دست به گریبانم. گاهی اوقات وفادار نیستیم. عهدشکنی من باعث می‌شود که دیگران به من اعتماد نکنند. کمبود محبت را در من ببخش و شباهت خود را در من بازسازی کن. می‌دانم که وفاداری تو به وفاداری من بستگی ندارد. سپاسگزارم که در عیسی مرا دوست داری و می‌بخشی. تو را شکر می‌کنم که به من اطمینان می‌دهی که محبت و رحمت تو و وفاداریت تا ابد برقرار است.

# درس دوم

## حق نخست‌زادگی و برکت

پیدایش ۲۵ و ۲۷ – نومید و فریب‌خورده

بررسی اجمالی درس ۲

بررسی

۱۷

مقدمه

درس ۲: پیدایش ۲۵ و ۲۷

۱۸

• تولد یعقوب و عیسو

۲۰

• یعقوب حق نخست‌زادگی عیسو را به دست می‌آورد

۲۱

• عهد و پیمان خدا با ما

۲۳

• پدری فریب می‌خورد

۲۵

• اسحاق، یعقوب را برکت می‌دهد



## مقدمه

در پیدایش ۲۵ و ۲۷ گفته می‌شود که امتیاز و وعده عطا شده به اولین فرزند پسر خانواده در فرهنگ آن زمان، به عنوان امتیاز و اولویت و برکت رایج بوده است. اگر این امتیازات برای فرزند اول که عیسو بود، در درس ۲ در می‌یابید که چرا و چگونه، یعقوب دومین پسر دوقلو آن را به دست می‌آورد.

کسب این دو عطیه از جانب یعقوب، آشفتگی عظیمی در روابط خانوادگی اسحاق ایجاد نمود. دلیل این آشفتگی را مشخص نمایید. ببینید که این امر چه نفوذ و رخنه‌ای را در خانواده اسحاق به وجود آورد. خانواده پدری که وارث این عهد بود. توجه نمایید که این مسئله چه تاثیری در روابط خانواده گذاشت.

اما چطور چنین چیزی امکان دارد؟ چطور خداوند می‌تواند وعده خود را نسبت به این خانواده حفظ کند در حالیکه چنین آشفتگی وجود دارد؟ دریابید که چگونه خداوند وعده خود را برای اسحاق نگاه داشت. درباره خدا و وعده‌هایش چه می‌آموزیم؟ اعمال آنها به هر حال مستوجب عقوبت بود و خانواده اسحاق از این قاعده برکنار نبود. مجازات آنها چه بود و چه تاثیری زندگی این دو برادر را در بر گرفت؟ تنها راه فرار یعقوب را مشاهده کنید. درباره انتقال دادن امتیاز از جانب عیسو بیاموزید. در حالیکه در این درس پیش می‌روید، فکر کنید که برای من و شما چقدر اهمیت دارد که تنها پسر خدا، اولین فرزند خدا، از حق اولویت خود استقبال کند. بیاموزید که چه میراثی فرزند خدا به خاطر وفاداریش به اراده پدر دریافت نمود.

## بخش ۱

**مقدمه:** وقتی که ابراهیم درگذشت، پسرانش اسحاق و اسماعیل او را در کنار سارا در یک غار واقع در زمینی که ابراهیم خریداری کرده بود، به خاک سپردند. اسحاق و همسرش ربکا در «بَئْر لَحَى رُئى» زندگی کردند. داستان اسحاق در پیدایش ۲۵ ادامه می‌یابد. وعده به ابراهیم عبارت بود از اینکه اعقاب و نسل او به اندازه ستارگان آسمان و به فراوانی شن‌های ساحل گردد. حال او مرده و فقط یک پسر به نام اسحاق از او به جا مانده که وارث وعده خداوند است.

**تکلیف:** پیدایش ۲۵: ۱۹-۳۴ را بخوانید.

**تمرین:** این فصل با داستان اسحاق ادامه می‌یابد. در آیات ۱۹ و ۲۰ به نظر می‌رسد نیازی به بررسی پیشینه است، از این رو به بررسی می‌پردازیم.

۱- پدر اسحاق چه کسی بود (آیه ۱۹) \_\_\_\_\_

۲- اسحاق چند سال داشت که ازدواج کرد (آیه ۲۰)؟ \_\_\_\_\_

۳- اسحاق با چه کسی ازدواج کرد؟ \_\_\_\_\_

الف. پدر زن کی بود؟ \_\_\_\_\_

ب. برادر زن کی بود؟ \_\_\_\_\_

۴- اسحاق برای ربکا دعا کرد (آیه ۲۱). برای چه چیزی دعا کرد؟ \_\_\_\_\_

۵- چرا این مسئله اینقدر مهم بود؟ \_\_\_\_\_

۶- اگر اسحاق کسی بود که وعده خدا از طریق او انجام می‌گرفت، پس چه اتفاقی بایستی می‌افتاد؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۷- فهمیدیم که خدا دعای اسحاق را جواب داد. چه اتفاقی افتاد؟ (آیات ۲۱، ۲۳) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۸- این آیه درباره حاملگی ربکا چه می‌گوید؟ (آیه ۲۲) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

**تعلیم:** ربکا با فرزندان دوقلو باردار بود و ظاهراً حاملگی دشواری داشت. گفته می‌شود که فرزندان «در درون شکم مادر با یکدیگر می‌جنگیدند.» زنی که حاملگی را تجربه کرده باشد می‌تواند از دوران سخت بارداری که جنین در شکم مادر حرکت

می‌کند صحبت کند. اما، سختی بارداری ربکا بدون تردید ترکیبی از این واقعیت بود که دوقلو باردار بود و علاوه بر آن گفته می‌شود که بچه‌ها یکدیگر را فشار داده و حتی قبل از تولد در اطراف شکم می‌کشاندند. درد و ناراحتی ربکا باعث شد که از خدا بپرسد: «چرا این اتفاق برایم می‌افتد؟» (آیه ۲۳).

## تمرین:

۱- با کلمات خودتان بگویید که خداوند به او چه گفت؟

زندگی ربکا تغییر خواهد کرد. او دوقلو حامله بود. خداوند به او گفت که دوقلوهایی که در شکم دارد دو گروه از مردم را تشکیل می‌دهند و از هم جدا خواهند شد. یکی از این اقوام از قوم دیگر قوی‌تر می‌گردد. و، آخرین چیزی که به ربکا گفته شد این بود که فرزند بزرگتر به فرزند جوان‌تر خدمت خواهد کرد که این بر خلاف رسم و رسوم آن فرهنگ بود.

۲- وقتی که زمان دنیا آوردن فرا رسید، ربکا دو پسر دوقلو زاید. در آیه ۲۵ فرزند اول چگونه توصیف شده است؟

چه نامی بر او گذاشتند؟

۳- برادرش را توصیف کنید (آیه ۲۶).

۴- چه نامی به پسر دوم دادند؟

عیسو و یعقوب بیست سال پس از ازدواج اسحاق و ربکا به دنیا آمدند. اسحاق اکنون ۶۰ سال عمر دارد.

۵- آیات ۲۷ و ۲۸ اطلاعات بیشتری درباره بزرگ شدن این دو پسر می‌دهد. چه اطلاعات بیشتری درباره عیسو می‌آموزیم؟

۶- درباره یعقوب چه می‌آموزیم؟

این دو پسر به طور آشکار با هم تفاوت داشتند. یکی خشن و مرد دشت و بیابان بود و مورد محبت پدرش قرار گرفته بود. و دیگری پسری ساکت و خانگی بود. تقریباً می‌توان گفت که مورد توجه مادرش بود.

## بخش ۲

**تکلیف:** پیدایش ۲۵: ۱۹-۳۴ را دوباره بخوانید. درباره شخصیت این دو پسر بیشتر یاد می‌گیریم.

**تمرین:** بدون شک یعقوب در خانه بود و در پخت و پز کمک می‌کرد و عیسو سرگرم جستجو و شناخت بیرون از خانه بود.

۱- عیسو در چه وضع و شرایطی به خانه آمد؟ (آیه ۲۹)

---

۲- عیسو چه چیزی مطالبه می‌کرد؟ (آیه ۳۰)

---

۳- یعقوب مایل نبود به درخواست‌های عیسو بدون چانه زدن و مبادله اعتنایی بکند. یعقوب چه پیشنهادی کرد؟

---

**تعلیم:** آیه ۳۱ درباره حق نخست‌زادگی صحبت می‌کند. حق نخست‌زادگی به پسر اول خانواده تعلق دارد. حال چه پسر همسر رئیس خانواده باشد و چه پسر هم‌خواه یا سیغه او به حساب آید. کسی که حق نخست‌زادگی را دریافت می‌کند، سرانجام رئیس خانواده می‌شود. اصل و نسب خانواده از طریق فرزندی که صاحب این حق شده است، ادامه می‌یابد. چنین فرزندی همچنین از اموال پدر دو برابر به ارث می‌برد.

آنچه یعقوب درخواست می‌کرد چندان بی‌اهمیت نبود. او چیزی را می‌خواست که عیسو به عنوان فرزند نخست دریافت کرده بود. کلام خدا را به خاطر آورید که به ربکا گفت پسر بزرگتر در خدمت پسر کوچک‌تر خواهد بود. یعقوب از روی زیرکی عمل کرد. می‌دانست که عیسو بسیار آسیب‌پذیر است. از همه گذشته، تنها چیزی که عیسو می‌توانست فکر کند، غذا بود. حق نخست‌زادگی چه فایده‌ای دارد اگر او بمیرد؟

**تمرین:** به آیه ۳۳ ادامه دهید...

۱- یعقوب اصرار ورزید که عیسو قبل از خوردن، سوگند یاد کند. بنابراین عیسو چه کار کرد؟

---

سوگند یاد کردن در واقع فروختن حق نخست‌زادگی و حق ارث و میراث او به یعقوب بود.

۲- بعد از آن یعقوب غذای خود را به عیسو داد (آیه ۳۴). در ازای چه چیزی عیسو حق خود را فروخت؟

---

عیسو چقدر احمقانه عمل کرد! آنچه برای یعقوب ارزش داشت و طلب می‌کرد، عیسو به قیمت قدری نان و سوپ عدس به او داد.

۳- آیه چنین پایان می‌یابد «عیسو خورد و نوشید و پس از آن برخاست و رفت» «بنابراین

---

«\_\_\_\_\_»

### بخش ۳

**درباره خدا چه می‌آموزیم:** این داستان که درباره حق نخست‌زادگی است، داستان کوتاهی که فقط در ۱۵ آیه ذکر شده است، اما حقایق بسیاری را درباره اسحاق و خانواده‌اش می‌آموزیم. درباره ارزش‌های هر خانواده، چه کسی را مورد لطف قرار می‌دادند، و گرایش طبیعی‌شان به کدام سو بود آموختیم. همچنین دریافتیم که هر کدام از پسرها چه ارزشی برای حق نخست‌زادگی قائل بود. احساس می‌شود که این خانواده بر علیه یکدیگر بودند و هر کدام از یکی دیگر حمایت کرد و موجب خشنودی می‌گردید.

در عین حال خدا به وعده خود به ابراهیم وفادار بود و این خانواده وارث وعده خداوند می‌شد. ممکن است فکر ما منحرف شده، باور کنیم که خدا ما را به کار نگیرد زیرا اعمال نیکویی نداریم. ممکن است تصور کنیم که وعده‌های خدا بستگی به طرز رفتار ما دارد و اعمال ما سبب می‌شود که خدا به ما چیزی عطا کند. اگر خوب باشیم، خداوند ما را برکت می‌دهد و گرنه، از برکت خدا محرومیم. در این داستان می‌بینیم که یک برادر از برادر دیگر سوءاستفاده می‌کند. عیسو همیشه گرسنه بود و به غذا اهمیت می‌داد. یعقوب این ضعف برادر را دید و از آن به عنوان موقعیتی استفاده نمود تا امتیاز حق نخست‌زادگی را از عیسو بگیرد و از آن خود سازد. در عین حال مشاهده می‌کنیم که برادر بزرگتر اجازه می‌دهد که شکم‌پرستی اعمال و رفتار او را کنترل نماید و بنابراین عیسو بدون تفکر عمل نموده، میراث خود را که پسر نخست خانواده بود، بی‌اهمیت شمرد و یعقوب از این موقعیت بهره می‌گیرد و با فریب کاری آنچه را که طالب است در تملک می‌گیرد.

اعمال خداوند به رفتار ما بستگی ندارد. خداوند آنچه بخواهد عمل می‌کند زیرا او با ما عهد بسته است. او به ما قولی داده است. خداوند وعده داد که عهد و پیمان ابدی او با ابراهیم و اعقاب او و نواده‌های نسل او برقرار است. خداوند آن را به ما نبخشید با گفتن اینکه «اگر آنها به قدر کافی خوب باشند» و یا «اگر آنها آنچه را که می‌گویم انجام دهند» و یا «اگر قول خود را نگاه دارند». خیر، خدا عمل می‌کند زیرا به ما قول داده است. او به ابراهیم و اسحاق و پسرانش وعده داد و وعده خود را نگاه می‌دارد. همه چیز به خاطر محبت عظیم خدای برای همه قوم‌هاست. ما همه در تعمیم تحت وعده او قرار می‌گیریم و صد در صد به او اطمینان می‌کنیم که وعده خود را انجام دهد. حتی وقتی که اعمال فریبکارانه و نادرست داریم و از دیگران سوءاستفاده می‌کنیم، او از روی راستی و صداقت، حقیقت و با احترام وعده خود را حفظ می‌کند.

علیرغم شرایط انسانی ما، خداوند مردم را بازسازی نوع بشر به صورتی که در اصل خلق کرد، شریک می‌سازد. او برگزید که طبیعت گناه‌آلود ما را ببخشد و ما را قادر سازد تا آزاد از گناه زندگی نماییم. باز خرید ما در عهده خداوند است. خدا نیز یک پسر نخست‌زاده داشت. نام او عیسی بود. او مسئولیت خود را به عنوان فرزند نخست با جدیت تقبل نمود. یوحنا ۳: ۱۶-۱۷ به یاد ما می‌آورد. این آیات را بنویسید:

---

---

---

---

ما برکت یافتیم زیرا عیسی حق نخست‌زادگی خود را نادیده گرفت. او به عنوان فرزند نخست آمد. تنها فرزند خدا، مایل به فراهم نمودن حیات ابدی برای آنان که به او ایمان آورند. عیسی وسیله‌ای بود که خدای پدر برگزید تا تمام مردم را بازسازی نموده و به ملکوت فرزند خویش وارد نماید.

**دعا:** خداوند، من نیز مانند یعقوب با فریب و خدعه با دیگران رفتار کرده‌ام تا آنچه را که می‌خواهم به دست آورم. بی‌فکری و عدم صداقت من نسبت به اعضای خانواده، دوستان و همکارانم، روابط را به هم ریخته است. اغلب احساس می‌کنم که کاملاً تنها هستم و در ناامیدی با تقصیر ترک شده‌ام. عیسی به من شهادت بده تا گناهانم را بپذیرم و به آن اعتراف نمایم. من ایمان دارم که تنها تو هستی که به من قوت می‌دهی تا صادق و راستگو باشم و تو هستی که مرا هدایت می‌کنی که از روی وجدانی پاک عمل کنم. از تو درخواست می‌کنم که به خصوص در مورد \_\_\_\_\_ در من کار کنی. عیسی، من سپاسگزارم که تو به عنوان فرزند نخست خداوند، حق نخست‌زادگی خود را از دست ندادی بلکه انتخاب کردی که برای گناهان من بمیری تا من بتوانم وارث تمام آنچه که پدر آسمانی برای ما به عنوان فرزندانش دارد، گردم.

## بخش ۴

**مقدمه:** ما رفته رفته احساس می‌کنیم که مسائل و اموری که در خانه اسحاق وجود دارند خیلی خوب پیش نمی‌رود. خداوند به ربکا آشکار ساخت که دوقلوهایش دو ملت را تشکیل می‌دهند. یک پسر یعقوب نامیده شد که به معنی «او فریب می‌دهد» و کار او فریب دادن است. در سرتاسر چند فصل آینده، مشاهده می‌کنیم که یعقوب فریب‌کار یا عملاً در کار فریب است و یا فریب می‌خورد. به تازگی آموختیم که در بخش ۲ چگونه یعقوب با هوشیاری عیسو را فریب داد و حق نخست‌زادگی او را به دست آورد. در این فصل همچنین آموختیم که عیسو ارزشی برای حق خودش به عنوان پسر بزرگتر قائل نبود. در حقیقت گفته می‌شود که او از این حق نفرت داشت. او از خدای پدر و مادرش دوری کرد و زنی از میان مردم حتی اختیار نمود (پیدایش ۲۶: ۳۴-۳۵) و مصمم بود که به میل خود زندگی کند. این تصمیمات او برای پدرش بی‌احترامی محسوب شد و هر آنچه را که پدرش به وجود آورده و یا نمایندگی کرده بود، بی‌اهمیت انگاشت. بسیار مهم است که به یاد بیاوریم که اسحاق از برکت خدا که به پدرش اعطا شده بود برخوردار بود. تمام آنچه که به ابراهیم وعده داده شده بود به اسحاق رسید و حالا به یعقوب تعلق داشت.

**تعلیم:** حق نخست‌زادگی و برکت هر دو هدایایی بودند که از جانب پدر به فرزند پسر نخست اعطا می‌شدند. حق نخست‌زادگی میراث پدر را به پسر منتقل می‌سازد، اما برکت، کلام پدر را به پسر می‌رساند که او را هدایت نماید و تسلط و حاکمیت پسر را تا پایان عمرش اعلام می‌دارد. در پیدایش ۲۵: ۲۹-۳۴ آموختیم که چگونه حق نخست‌زادگی عیسو را به دست آورد. حال در پیدایش ۲۷ می‌آموزیم که چگونه او برکت عیسو را نیز از آن خود نمود.

**تکلیف:** نگاهی به این آیات بیندازیم و ببینیم داستان چگونه ادامه می‌یابد.

۱- وضعیت سلامتی اسحاق چگونه بود (آیه ۱)؟

---

۲- اسحاق اعلام می‌دارد که عمرش در این دنیا رو به پایان است. او کهنسال، ضعیف و نابیناست و می‌داند که وقت آن است که عیسو را برکت دهد. بنابراین، عیسو را فرا می‌خواند. چه دستوراتی به عیسو می‌دهد؟ آیات ۳ و ۴.

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

پ. \_\_\_\_\_

۳- اسحاق صحنه را آماده کرده است «که روح من \_\_\_\_\_ قبل از آنکه بمیرم.»

**تعلیم:** علیرغم آنچه که اسحاق درباره عیسو می‌دانست، مصمم بود که او را برکت دهد. عیسو پسر مورد علاقه‌اش بود. پدر و پسر هر دو به شکار کردن علاقه داشتند و از خوردن حیوانات شکاری لذت می‌بردند (پیدایش ۲۵: ۲۷-۲۸). اما عیسو خدای

پدر را طرد کرد و به راه خود رفت (پیدایش ۲۶: ۳۴). از جمله با زنی از خانوادهٔ اسماعیل وصلت نمود و با مردمی که بخشی از وعده و پیمان خداوند نبودند همراه گشت (پیدایش ۲۸: ۸-۹).



## بخش ۵

**تمرین:** پسر مورد علاقهٔ ربکا \_\_\_\_\_ بود. ربکا به صحبت اسحاق و عیسو گوش می‌داد. حال او نیز در صدد بود که برکت اسحاق را دریافت نماید البته نه برای خودش بلکه برای یعقوب که او را بسیار دوست می‌داشت.

۱- وقتی که عیسو رفت، ربکا چه کار کرد؟ (پیدایش ۲۷: ۶-۷) \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۲- در آیهٔ ۸ چه دستوراتی به یعقوب داد؟ \_\_\_\_\_

الف. در آیهٔ ۹: \_\_\_\_\_

ب. در آیهٔ ۱۰: \_\_\_\_\_

۳- ربکا نیز صحنه را آماده کرده «پس او \_\_\_\_\_ تو قبل از آنکه بمیرد (پیدایش ۲۷: ۱۰).

۴- اما یعقوب در نقشهٔ خود به مشکلاتی بر می‌خورد. در آیات ۱۱ و ۱۲ نگرانی او کدامند؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ به طور آشکار بزرگترین

نگرانی او این است که در این فریب‌کاری مشتش باز می‌شود و به جای آنکه برکت پدر را دریافت نماید، لعنت او را به دست می‌آورد.

۵- ربکا آنقدر مایل است که یعقوب برکت را دریافت نماید که حاضر است اگر نقشه‌اش توفیق نیابد لعنت را بر خود

هموار سازد. در آیهٔ ۱۳ ربکا نوعی حس پنهانی و شتاب‌زدگی به خواننده می‌دهد. ربکا چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۶- بنابراین، یعقوب از مادر اطاعت می‌کند و با نقشهٔ فریب دادن پدر و برادر پیش می‌رود. توجه کنید که برای فریب

دادن اسحاق تا چه حد پیش رفتند.

الف. آیهٔ ۱۴: \_\_\_\_\_

ب. آیهٔ ۱۵: \_\_\_\_\_

ج. آیهٔ ۱۶: \_\_\_\_\_

۷- پس یعقوب نزد پدر می‌رود. در آیهٔ ۱۸ اولین سوال اسحاق چیست؟ \_\_\_\_\_

۸- در آیهٔ ۱۹، یعقوب چه جوابی می‌دهد؟ \_\_\_\_\_

۹- اسحاق تعجب کرده است که عیسو خیلی زود برگشت (آیه ۲۰). اسحاق می‌پرسد: \_\_\_\_\_

۱۰- یعقوب جواب می‌دهد: \_\_\_\_\_

۱۱- در آیه ۲۱ اسحاق می‌خواهد اطمینان یابد که این عیسو است. از اینرو، از او می‌خواهد که نزدیک‌تر برود که او بتواند او را \_\_\_\_\_ . چرا او شک داشت که او عیسو بود. مگر اسحاق قبلاً هم فریب خورده بود؟ یا فریب داده بود؟ شما چگونه فکر می‌کنید؟ \_\_\_\_\_

اسحاق در خانه‌ای از خدعه و فریب زندگی می‌کرد. همسر خودش انتخاب کرد که او را برای به دست آوردن آنچه برای یعقوب در نظر داشت، فریب دهد. یعقوب پسر اسحاق برای گرفتن آنچه که می‌خواست برادرش را فریب داد، مشخصاً به دست آوردن حق نخست‌زادگی. و حالا، مادر و پسر خواهان به دست آوردن برکت پدر بودند که فقط از طریق خدعه یعقوب امکان‌پذیر بود.

۱۲- هرچند که صدایش مانند صدای یعقوب بود اما دست‌هایش پوشیده از مو بود و به این دلیل نقشه مادر و برادر انجام گرفت. در آیه ۲۴ اسحاق یک بار دیگر پرسید: \_\_\_\_\_

۱۳- و اسحاق جواب داد \_\_\_\_\_

۱۴- اسحاق به او دستور داد از غذایی که آماده شده قدری برایش بیاورد. او غذا را خورد و شراب را نوشید. پس از آن از یعقوب خواست که برای بوسیدنش جلو برود. در آیه ۲۷ چه چیزی سرانجام اسحاق را قانع کرد که او عیسو بود؟ \_\_\_\_\_

۱۵- سرانجام برکت داده شد. برکت چه بود؟ (آیات ۲۸-۲۹)

الف. باشد که خدا \_\_\_\_\_

ب. بگذارد مردم \_\_\_\_\_

پ. رهبر باشد بر \_\_\_\_\_

ت. لعنت بر \_\_\_\_\_

**کاربرد شخصی:** چه برکتی اسحاق به پسرش یعقوب داد! آیا تاکنون از کسی برکت دریافت کرده‌اید؟ والدین؟ دوستی؟ شبانی، کشیشی و یا بعضی از کارکنان کلیسا؟ در بعضی از فرهنگ‌ها برکت دادن رایج نیست. اما برکت دادن به کسی که دریافت می‌نماید قوت می‌دهد. آیا می‌توانید برکت خدا را در زندگی خود بشنوید؟

۱- دوست دارید خدا چه چیزی به شما بگوید؟

---

---

۲- چه برکتی به یک کودک، به همسر، یا یک دوست یا همکار می‌دهید؟

---

---

برکت والدین به کودک هنگامی که خانه را ترک می‌گوید ممکن است اینگونه باشد «به خاطر داشته باش، تو را دوست دارم.»

۳- در پیدایش ۱۲ به خاطر آورید که خدا چه برکتی به ابراهیم داد که برکتی برای دیگران گردد. در نظر بیاورید که چگونه زندگی شما ممکن است به زندگی دیگران برکت دهد. چه کسی یا چه کسانی ممکن است باشند؟

---

---

۴- چه چیزی ممکن است بگویید و چه کاری انجام دهید که در زندگی آن شخص برکت باشد؟

---

---

---

**دعا:** خداوندا، مرا با حقیقت وجود خود برکت داده‌ای. من هرگز ترسی ندارم که ممکن است تو مرا فریب بدهی. مرا قادر ساز که صدای تو را بشنوم که با کلامت مرا برکت می‌دهی: «باشد که خدای امیدبخش وجود شما را با شادی و آرامش خود پر سازد و همچنان که به او اعتماد و ایمان دارید، قدرت روح‌القدس در شما بریزد. باشد که در امید قدرت یابید.» (رومیان ۱۵: ۱۳). مرا هوشیار ساز تا موقعیت‌های برکت‌دهنده را در زندگی دیگران دریابم. باشد که در هر کاری که می‌کنم برای احترام و جلال تو باشد.

## درس سوم

# اکنون عیسو از یعقوب نفرت

## دارد

پیدایش ۲۷، ۲۸ – یعقوب فرار می کند

بررسی اجمالی درس ۳

بررسی

۲۹

مقدمه

درس ۳: پیدایش ۲۷، ۲۸

۳۰

• دروغ و حقیقت

۳۳

• دروغ یعقوب آشکار می شود

۳۵

• وفاداری خداوند در بخشیدن

۳۶

• یعقوب به حران فرار می کند

۳۸

• فریب دشمنی را به وجود می آورد

## مقدمه

فریب چیست؟ از کجا می‌آید؟ نتایج فریب کدامند؟ کتاب مقدس درباره فریب چه می‌آموزد؟ اگر فریب خبر بدی است، خبر خوب چیست؟ از این درس انتظار داشته باشید که در دانش و درک خود از فریب و قدرت تخریبی آن در روابط، رشد نمایید.

در درس ۲ آموختیم که یعقوب با به دست آوردن حق نخست‌زادگی و برکت داشتن اولین فرزند، پدر و برادر خود را فریب داد. حال در درس ۳ کشف می‌کنیم که عیسو چه پاسخی به عمل فریب‌کارانه برادر در آنچه که به او تعلق داشت، می‌دهد. به نقشه ربکا برای یعقوب توجه نمایید. و به سقوط عیسو پی ببرید.

سرانجام، پس از مطالعه این داستان، فرصتی برای تفکرات و بازتاب شخصی است. تجربه شخصی من در مورد فریب چه بوده است؟ چه زمانی فریب خورده‌ام و در چه زمانی فریب داده‌ام؟ آیات کلام به ما می‌آموزد که ما حتی خود را فریب می‌دهیم. سوال این است که چگونه چنین چیزی ممکن است؟ قدری وقت صرف نمایید و به طور جدی به واقعیت درون خود نگاه کنید. محترمانه پاسخ خود را با آنچه که خداوند آشکار می‌سازد در نظر بگیرید.

## بخش ۱

**تکلیف:** پیدایش ۲۷ را بخوانید.

**تعلیم:** از آنجا که خدعه و فریب بخش مهم این داستان و داستان‌های بعدی است، بد نیست که زمانی را به مطالعهٔ مراجع بیشتری که در کلام دربارهٔ فریب صحبت می‌کند، اختصاص دهیم. فریب چیست؟ مجازات کسانی که دروغ گفته، فریب‌کاری می‌کنند چیست؟ ریشهٔ این مشکل از کجاست؟ جهت پاسخ به این سوالات و سوالات دیگر، پیدایش ۲۷ را کنار گذاشته، نگاهی به منابع کمکی کلام می‌کنیم. این منابع فرصتی به ما می‌دهند که یافتن آیات را در کتاب‌های مختلف کتاب‌مقدس بیاموزیم و موقعیتی ایجاد می‌نماید که کلام خدا به ما تعلیم دهد.

۱- متی ۱۳: ۲۲-۲۳ - چه چیزی اغلب ما را فریب می‌دهد؟

۲- ارمیا ۱۷: ۹ - فریب‌کاری از کجا می‌آید؟

۳- مرقس ۷: ۲۰-۲۳ - چگونه قلب گناه را نگاه می‌دارد؟

۴- لاویان ۱۹: ۱۱ - دستور خداوند چیست؟

متی از فریبی سخن می‌گوید که با ثروت همراه است. همهٔ ما فریب ثروت را تجربه کرده‌ایم. اغلب اتفاق می‌افتد تنها برای آنکه چیزی را می‌طلبیم که عقیده داریم باید داشته باشیم. وقتی که خریدی انجام می‌شود و یا تا اندازه‌ای ثروتی کسب می‌شود، تازه پی می‌بریم که فریب خورده‌ایم و ثروت و خریداری ما موجب رضایت و خوشبختی ما نشده است یا دوستی‌های مان و یا هر آنچه را که ممکن است تصور می‌کردیم به دست نیامده است. حقیقت این است که ما فریب خورده‌ایم که دروغی را باور نماییم.

ارمیا می‌گوید که مشکل ما در قلب ما نهفته است و از بین نمی‌رود. ارمیا می‌گوید قلب ما فریب‌کار است و شفا نمی‌یابد. گناه به قلب ما وارد شده و مایهٔ گناه، فریب است. به یاد آورید که در باغ عدن وقتی که مار با زن صحبت کرد، چه اتفاقی افتاد. تمام آنچه که مار گفت فریبنده بود. و حالا، مرقس به ما می‌گوید که قلب ما گناه را در خود نگاه می‌دارد. و این بخشی از وجود ما انسان‌های گناهکار است.

دستور خداوند در کتاب لاویان این است که ما نباید یکدیگر را فریب دهیم. خداوند این دستور را برای خیر و خوبی خود ما داده است. توجه کنید که وقتی که یعقوب تصمیم به فریب‌کاری گرفت ناچار شد که دروغ بگوید. او نه یک بار، بلکه چندین بار به پدرش دروغ گفت. تمام فریب یک دروغ است. کتاب‌مقدس به ما می‌آموزد که شیطان دروغگو و پدر دروغ‌گویان است و هیچ واقعیتی در او نیست (یوحنا ۸: ۴۴).

بر عکس فریب، حقیقت است. حال به هر کدام از این قسمت‌ها نگاهی کرده و حقیقت را بیاموزید:

۱- امثال ۱۴: ۵ - خصوصیات یک شاهد وفادار چیست؟

۲- افسسیان ۴: ۲۱-۲۴ - حقیقت از کجا می‌آید؟

۳- اول قرنتیان ۳: ۱۸ - ما چه کاری را نباید انجام دهیم؟

۴- اول یوحنا ۱: ۸-۹ - این قسمت را بنویسید:

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۵- اول پطرس ۲: ۲۱-۲۲ - نمونه مسیح چیست که ما باید از آن پیروی کنیم؟

۶- یوحنا ۱۴: ۶ - عیسی درباره خود چه می‌گوید؟

حقیقت فریب‌دهنده نیست. حقیقت قابل اعتماد است. چند بار اسحاق در جستجوی این حقیقت بود که اطمینان یابد که مردی می‌خواهد برکت دهد، پسرش عیسو بود؟ خدعه و فریب قبلا در خانواده او وجود داشت. او آنچه را که نمی‌توانست ببیند، اطمینان نداشت. حقیقت و دروغ نمی‌توانند با هم وجود داشته باشند. کسی یا شاهد حقیقتی است و یا شاهد دروغین می‌باشد. حقیقت از سوی عیسی می‌آید. حقیقت اصل وجود عیسی است. عیسی می‌گوید که او راه و راستی و حیات است. هنگامی که شیطان قصد فریب ما را دارد، می‌توانیم به حقیقت عیسی اعتماد کنیم. از همه بالاتر، باید از فریب دادن خود بپرهیزیم. وقتی که فکر می‌کنیم که شخص مهمی هستیم در حالیکه حقیقتاً اینطور نیست، خود را فریب می‌دهیم. می‌توانیم تصور کنیم که مهم یا باهوش هستیم و یا فریب دیگری به خود بدهیم که ما را از دیگران بالاتر و با ارزش‌تر بسازد. فریب نخورید. خداوند تقلیدی نیست. در غلاطیان ۶: ۷-۸ پولس رسول به ما می‌گوید که هر چه بکاریم درو خواهیم کرد. این اصل و بنیان برزگری است. اگر بذر گندم بکاریم، محصول گندم حاصل می‌کنیم. از اینرو، اگر بذری مانند دروغ و فریب در زندگی مان بکاریم: اگر انتظار داریم که زندگی مان محصول حقیقت و اعتماد به بار بیاورد، تنها خود را فریب داده‌ایم.

یوحنا قдіس، به ما خبر بد و خبر خوب (مژده) را می‌دهد. خبر بد این است که اگر ما ادعا کنیم بیگناهییم خود را فریب داده‌ایم. حقیقت را درباره خود نگفته‌ایم. یوحنا قдіس می‌گوید که در ما راستی وجود ندارد. اما خبر خوب این است که اگر به گناهان خود اعتراف نماییم، خداوند وفادار و عادل است و گناهان ما را می‌بخشد. همانطور که به ابراهیم، اسحاق و یعقوب وفادار بود نسبت به ما نیز وفادار است و تمام گناهان ما را به خاطر عیسی می‌بخشد. خداوند می‌خواهد که ما راستگو و حقیقت‌گو باشیم، هم به خود و هم به او.

همه ما به گناه فریب آلوده ایم. اعمال ما ممکن است با آنچه یعقوب و ربکا کردند متفاوت باشد، اما فریب، فریب است. و مهم نیست که به چه صورتی انجام گیرد. عیسی آمده است که همه ما را از دروغ و فریب آزاد سازد. قلب ما، ما را فریب می دهد. شیطان ما را فریب می دهد. جهان اطراف ما با تبلیغات و سرگرمی هایش و حتی دوستان و خانواده ما را فریب می دهند. اما عیسی تنها کسی است که فریبی در او نیست. خبر خوب این است که هرچند که به بهای زندگی عیسی تمام شد، حال ما با قدرت او قادریم که از او پیروی نماییم. زیرا او دروغ و فریب که ما را به آسانی در چنگال خود می گیرد، از ریشه نابود کرد. حقیقت فیض و بخشش او ما را آزاد ساخت که به عنوان فرزندان خداوند و وارثین ملکوت او زندگی نماییم.



## بخش ۲

**تمرین:** به پیدایش ۲۷ برگردیم. یعقوب برکت یافته و از حضور پدرش خارج شد. حال عیسو به خانه آمده است.

۱- عیسو چه می‌کند؟ (آیه ۳۱) \_\_\_\_\_

۲- اسحاق چه می‌پرسد؟ \_\_\_\_\_

۳- عیسو چه پاسخی می‌دهد؟ \_\_\_\_\_

۴- فریب‌کاری یعقوب بر ملا شده است. به عکس‌العمل احساس خشونت‌بار هر یک از آنها توجه کنید.

الف. عکس‌العمل اسحاق در آیه ۳۳: \_\_\_\_\_

ب. عکس‌العمل عیسو در آیه ۳۴: \_\_\_\_\_

۵- اسحاق و عیسو هر دو فریب خورده‌اند. باور نمی‌کنند که یعقوب چه دروغی گفته است. در آیه ۳۶ عیسو درباره یعقوب چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

۶- در آیه ۳۶ عیسو به پدرش التماس می‌کند: «مرا هم برکت بده پدر! هیچ برکتی برای من نگاه نداشته‌ای؟» در آیه ۳۷ اسحاق به عیسو می‌گوید که همه چیز را به یعقوب داده است و می‌پرسد: «پسرم، حالا چه کار برایت بکنم؟» چقدر این پدر ناراحت و ناامید است. در آیه ۳۸ عیسو از پدر چه درخواست می‌کند؟ \_\_\_\_\_

۷- پس اسحاق عیسو را برکت می‌دهد. در آیات ۳۹ و ۴۰ چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

۸- آیا به نظر شما این برکت است؟ کلماتی که اسحاق به عیسو برکت داد، با کلماتی که به یعقوب گفت مقایسه کنید. \_\_\_\_\_

**بازتاب:** به پایان داستان نزدیک می‌شویم. اما چیزهای بیشتری در راه است. برکت داده شده است. خدعه و فریب کار خود را در این خانواده انجام داده است. وقتی که خدا به ربکا گفت که برادر بزرگتر در خدمت برادر کوچکتر خواهد بود، منظور خدا این بود؟

۱- اگر ربکا و یعقوب نقشه خود را اجرا نکرده بودند، پایان داستان چه تفاوتی داشت؟ \_\_\_\_\_

۲- بدون تردید نوعی پشیمانی در عکس‌العمل پدر احساس می‌شود. اما چرا ناگهان عیسو به برکت احتیاج داشت در حالیکه حق نخست‌زادگی را طرد کرده بود و کارهای اسحاق مورد قبول نبود، برکت چه اهمیتی برایش داشت؟ زندگی بدون آن برکت چگونه خواهد بود؟

---

---

۳- چه برکتی برای ما از جانب پدر آسمانی باید باشد کسی که ما را به شباهت خود خلق نمود و مشتاق است که ما را بازسازی نموده و با ما رابطهٔ محبت‌آمیز خود را برقرار بسازد؟

---

---

۴- عیسو خیلی اشتیاق داشت که این برکت را دریافت نماید. آیا ما هم به اندازهٔ عیسو اشتیاق داریم که برکت پدر آسمانی را به دست آوریم؟ نظر شما چیست؟

---

---

۵- چگونه اشتیاق خود را در دریافت برکت زندگی از پدر آسمانی نشان می‌دهیم؟

---

---

---

### بخش ۳

**حفظ کردن و به حافظه سپردن:** بخشی که اهمیت فراوانی در این درس دارد، اول یوحنا ۱: ۸-۹ می‌باشد. در قسمت‌های اولیه این درس به این آیات اشاره شد. بار دیگر شما را تشویق می‌کنیم که این قسمت را روی کارت‌های یادداشت خود بنویسید و ظرف چند روز آینده از حقیقت این کلمات لذت ببرید. بگذارید کلمات به شما برکت دهند در حالیکه به آرامشی که با اعتراف کردن به دست می‌آورید و از پی بردن به حقیقت وفاداری و عدالت خدا پی می‌برید که تمام گناهان شما را می‌بخشد و پاک می‌کند و شما را به خاطر عیسی، پسرش عادل می‌سازد.

**کاربرد شخصی:** تخریب خدعه و فریب ما را فرا گرفته است. خانواده‌ها در جدال روابطشان هستند. مشاغل دچار انهدام و ورشکستگی هستند. شخصیت‌ها و رهبران سیاسی سقوط می‌کنند و در نهایت سابقه و بنیادشان به نابودی می‌رود.

۱- شما ممکن است با چه نتایجی روبرو شوید اگر فریب خورده‌اید و یا کسی بودید که فریب دادید؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۲- چه دروغی بود؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۳- در اثر این نادردستی چه روابطی از هم گسیخت و یا تحت تاثیر قرار گرفت؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۴- چه گناهی باید اعتراف شود؟ چه عملی از روی بخشش باید انجام شود؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

خدا ما را تشویق می‌نماید که به حضور او رفته به گناه خود اقرار کرده و به او اعتراف کنیم. خدا می‌خواهد که حقیقت و راستی بخشی از زندگی ما باشد. حقیقت که می‌پذیرد و به اشتباه خود اعتراف می‌کند تا محبت و بخشش او را دریافت نماید.

**دعا:** خداوندا، باید اعتراف نمایم که دروغ و فریب در قلب من است. این شرایط درونی من است و از جانب خودم نمی‌توانم آن را برطرف سازم. از دروغ‌هایی که از درونم بر می‌آید فریب می‌خورم زیرا من انسانی گناهکارم. اما تو حقیقت هستی. کلام تو حقیقت است. به من بگو که با اعتراف به گناهانم، تو وفادار و عادل هستی و تمام گناهان مرا می‌بخشی. به حضور تو می‌آیم و ایمان دارم که پسر تو عیسی شفای قلب بیمار من است. درخواست می‌کنم که عیسی با قدرت و راه خودش درون مرا پاک سازد.

## بخش ۴

**مقدمه:** یعقوب با خدعه، برکتی را پدرش برای عیسو برادرش در نظر داشت به دست آورد. وقتی که عیسو دریافت که برکت به یعقوب رسیده است، بسیار ناراحت شد و از پدر درخواست کرد که به او هم برکتی عطا نماید. اما دیگر برکتی وجود نداشت که او دریافت نماید. اسحاق ریاست بر برادر را به یعقوب عطا کرده بود و با این امر تمام خانواده عیسو خدمتکاران یعقوب می‌شدند. همچنین برکت پدر شامل کنترل محصول غله و شراب تازه بود. حال داستان با غصه عیسو ادامه می‌یابد که نتوانست برکت‌های نخست‌زادگی را از پدر دریافت نماید.

**تکلیف:** پیدایش ۲۷: ۴۱ تا ۲۸: ۹ را مطالعه کنید.

**تعلیم:** در بخش اول از ارمیای نبی آموختیم که «دل بیش از همه فریبنده است و چاره‌پذیر نیست» (ارمیا ۱۷: ۹). دروغ قدرت ویرانگر خود را در باغ عدن نشان داد که مار زن را فریفت و او را وادار کرد که میوه را بخورد (پیدایش ۳: ۱۳). فریب وضعیت گناهکار قلب را آشکار می‌سازد. دروغ به یاد همه می‌آورد که شباهت خدا توسط گناه از بین رفته است و ما قادر نیستیم آنطور که او در نظر داشت، او را از خود منعکس نماییم.

**تمرین:** عیسو قصد نداشت که آرامش برقرار گردد. در پیدایش ۲۷: ۴۱ داستان را تعقیب می‌کنیم.

۱- طبق آیه ۴۱ چه افکاری در سر عیسو می‌گذرد؟ \_\_\_\_\_

۲- ریشه ناراضیتی و کینه عیسو در کجا بود؟ چرا ناراحت و ناراضی بود (آیه ۴۱) \_\_\_\_\_

۳- \_\_\_\_\_

۴- او برای چه کاری نقشه می‌کشد؟ (آیه ۴۱) \_\_\_\_\_

این نقشه ممکن است دو برادر دیگر را به یاد آورد. برادری به نام \_\_\_\_\_ که در فکر کشتن برادرش \_\_\_\_\_ می‌باشد (پیدایش ۴: ۸).

۵- کینه شرارت را به وجود می‌آورد. کینه‌هایی که مکرراً از افکار گناه‌آلود و امیال نادرست تغذیه می‌شوند حتی قادرند به کشتن منجر شوند. در افسسیان ۴: ۲۶ پولس به ما چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

چرا نه؟ خواب به شخص شریر فرصت می‌دهد که پایش در شرارت ثابت شود (افسسیان ۴: ۲۷) و افکار شریرانه در ذهن ناخودآگاه خود پرورش دهد.

۶- ربکا از نقشه عیسو آگاه شده و به سرعت به یعقوب اطلاع می‌دهد. در آیه ۴۲ به یعقوب چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

عیسو دریافت‌ه است. او نقشه‌ای دارد. او فقط باید صبر کند تا پدرش بمیرد.

۷- در فصل ۲۷ برای سومین بار، ربکا به یعقوب می‌گوید (آیه ۴۳):

دو مرجع دیگر را در فصل ۲۷ پیدا کنید و یادداشت کنید که کجا آنها را یافتید:

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

۸- دستورات ربکا این است: «از صدای من اطاعت کن» فقط آنچه را که می‌گویم انجام بده. این دستورات چه پیش و بصیرتی به شخصیت ربکا می‌دهد؟

در رابطه‌اش با یعقوب چه تاثیری دارد؟

۹- بر طبق آیات ۴۳ تا ۴۵ ربکا چه نقشه‌ای دارد؟

۱۰- ربکا چه دلیلی ارائه می‌دهد که یعقوب شتاب‌زده آنها را ترک می‌کند (آیه ۴۶)؟ پیدایش ۲۶: ۳۴-۳۵ بصیرت‌هایی را نشان می‌دهد.

۱۱- در پیدایش ۲۸: ۱-۲ اسحاق به سرعت نقشه ربکا را تایید می‌کند که باید یعقوب را به خانه پدرش بفرستد تا همسری برای خود بیابد. به یاد آورید که پدر اسحاق، ابراهیم نیز خادم خود را به سوی خویشاوندان خود روانه کرد تا همسری برای او پیدا کند. پدر چه دستوراتی به یعقوب داد؟

۱۲- چه برکتی اسحاق به یعقوب داد قبل از آنکه او را به سفرش بفرستد (پیدایش ۲۸: ۳-۴)؟

۱۳- کدام یک از این کلمات، شبیه کلمات خدا به پدر بزرگ یعقوب، ابراهیم بود و نیز به کلماتی که به پدرش اسحاق داده بود، شباهت داشت؟

۱۴- در پیدایش ۲۸: ۵ یعقوب در راه است که با دای‌اش \_\_\_\_\_ باشد که برادر \_\_\_\_\_

پدرشان \_\_\_\_\_ بود. بار دیگر مشاهده می‌کنیم که حفظ اصل و نسب به نحوی درست، برای اصل و نسب عیسی بسیار اهمیت دارد. عهد و پیمان با ابراهیم و نسل او بود.

## بخش ۵

### عمیق تر بکاویم:

۱- در مدتی که یعقوب خانه را به قصد خانه دایی خود لابان ترک کرد، عیسو تصمیم گرفت چه کار کند؟ (آیات ۶-

۹)

۲- اعمال عیسو چه چیزی به ما می گوید؟ چه اتفاقی برایش می افتد؟

۳- به یاد آورید که اسماعیل کیست. اسماعیل عموی عیسو و برادر ناتنی اسحاق از جانب پدرش است. آیا پدرش خشنود می شود که عیسو تصمیم دارد از خانواده اسماعیل همسر دیگری بگیرد؟ از اینها گذشته، یعقوب نزد دایی خود رفت. چه اشکالی دارد که عیسو به خانه اسماعیل برود؟ به خاطر آورید که فرشته خداوند به هاجر درباره اسماعیل چه گفت (پیدایش ۱۶: ۱۱-۱۲)

پیدایش ۲۵: ۱۸ می گوید: «و آنها در دشمنی نسبت به تمام قبایلی که با آنها خویشاوندی داشتند، به سر بردند.»

**بازتاب:** داستان جهت دیگری به خود می گیرد. اما قبل از آنکه بر حران با یعقوب تکیه نماییم، لازم است قدری به احساسات و طرز فکر خودمان درباره آنچه می گذرد تامل کنیم. خانه ای از هم گسیخته. برادرها در دشمنی با یکدیگر هستند. والدین هریک از فرزند محبوب خود طرفداری می کنند. پدر به وعده خدا که از پدرش ابراهیم به او رسیده است پای بند است. در حالیکه این برادرها هنوز در رحم مادر بودند خداوند به ربکا گفت که پسرانش از هم جدا می شوند و پسر بزرگتر خدمتکار کوچکتر می شود. به طور آشکار دقیقاً همین طور شده است.

یعقوب هم حق نخست زادگی و هم برکت را به دست آورد. حقاً اینها متعلق به عیسو بود، اما حالا از این حقوق و نیز از پدر و برادرش نفرت داشت. امروزه اغلب از این داستان ها می شنویم. به هر دلیل و بهانه ای برادر با برادر دیگر صحبت نمی کند و خواهران از هم جدا شده اند. تنفر و کینه لانه کرده است. روابط از هم گسیخته و محبت از میان رفته است.

آیا آینده این خانواده ویژه در خطر است؟ آیا حیات عهد و پیمان در خطر است؟ اسحاق تنها وارث وعده است. او فقط دو پسر دارد که حالا یکی از آنها از همه آنچه که پدر به آن پای بند بود دور شده است. پسر دیگر برای نجات زندگی خود در حال فرار است و در هراس است که برادرش او را خواهد کشت. خدا در همه این رویدادها کجاست؟ آیا خدا این خانواده را ترک کرده

است؟ آیا نظرش در مورد عهد و پیمان که با ابراهیم و فرزندان او بست تغییر داده است؟ به نظر می‌رسد که گویی دروغ و فریب در این خانواده تمام نقشه خدا را به خطر انداخته است. نظر شما چیست؟

---

پرسش‌های بازتابی یا فکری ضرورتاً جوابی ندارند. اما به ما اجازه می‌دهند که درباره امکاناتی که ممکن است وجود داشته باشد بیندیشیم. پرسش‌ها این موقعیت را برای ما به وجود می‌آورند که تصور کنیم اگر جای دیگری بودیم، در زندگی چه احساسی ممکن بود داشته باشیم. سوالات بازتابی به ما فرصت می‌دهند که در مورد شرایط سخت سوال نماییم. در تمام این ماجرا خدا کجاست؟ خدا به چه می‌اندیشد؟ آیا کاری خواهد کرد؟ آیا خدا خشمگین است؟ خدا چه احساسی دارد وقتی که می‌بیند این خانواده در سختی و جنگ و جدال است، تا حدی که یک برادر در صدد کشتن برادر دیگر است؟ آیا خدا تمام این فریبکاری که اتفاق می‌افتد را می‌پذیرد؟ علیرغم اینکه تمام روابط از هم پاشیده است، آیا می‌تواند هدف خود را انجام دهد؟ افکار شما چیست؟

---

وقتی که به این نقطه از داستان می‌رسید، چه افکاری به ذهن شما می‌آید؟ چه سوالات دشواری مایلید پرسید؟

---

**دعا:** خداوند، من کم‌کم دارم احساس ناراحتی می‌کنم. هرچه بیشتر درباره اسحاق و خانواده‌اش می‌آموزم، پی می‌برم که بیشتر با آنها در مورد وقایع زندگی‌شان ابراز همدردی دارم. سختی‌ها و ناملایمات در خانواده من پنجه انداخته است. آنطور که ما با یکدیگر رفتار کرده‌ایم، زخم‌هایی ایجاد کرده است که به نظر نمی‌رسد شفا یابد. از تو درخواست می‌کنم که روابط از هم گسیخته را شفا بخشی. محبت خود را در زخم‌ها و دردها بریز. ما دست صلح و آرامش تو را خواهانیم تا زندگی لذت‌بخش را در ما بازسازی کند. نگرانی خاصی که در قلبم دارم به حضورت می‌آورم:

---

---

# درس چهارم

## از بئرشبع به حران

پیدایش ۲۸، ۲۹ – فریب‌دهنده فریب می‌خورد

---

بررسی اجمالی درس ۴

	بررسی
۴۱	مقدمه
	درس ۴: پیدایش ۲۸، ۲۹
۴۲	• رویای یعقوب
۴۴	• یعقوب وعده عهد را دریافت می‌کند
۴۶	• ملاقات خویشاوندان در حران
۴۷	• یعقوب فریب داد
۵۰	• کاربرد و بازتاب



## مقدمه

یعقوب برای حفظ جان خود فرار کرد. مادری را ترک نمود که در فریب دادن برادر و پدرش با او همدستی نموده بود. پدری را پشت سر گذاشت که در اندوه حقوق از دست رفته پسر نخست خود از نخست‌زادگی و نیز برکت، غصه می‌خورد. و برادری را به جا گذاشت که تصمیم گرفته بود او را به قتل برساند.

اما تجربه او در راه حران، زندگی او را عوض کرد. احتمالاً چه اتفاقی در راه رخ داده بود که چنین تغییر و تبدیلی صورت گرفت؟ در حالیکه درس چهارم را مطالعه می‌کنید، به این نقطه عطف، این تغییر جدید در زندگی یعقوب توجه کنید.

پس از مدتی، یعقوب وارد حران شده و دایی خود، برادر مادرش را ملاقات می‌کند. زندگی او در میان منصوبینش چگونه بود؟ عشق یعقوب را نسبت به راحیل بیاموزید. اما داستان با فریب‌کاری پدر راحیل پیچیده می‌شود.

و بله، عواقبی هم در کار بودند. عواقب نقشه بی‌پروای این پدر را دریابید. دل‌شکستگی‌ها از چه قبیل بود؟ چه کسی درد را تحمل نمود؟

این درس ما را دعوت می‌نماید که زندگی‌های شخصی و فردی خود را برای کسب تجربه یک آغاز تازه و نوین آماده سازیم. ضمن اینکه با خداوند در کلامش و در میان قومش روبرو می‌شوید، به آغاز جدید خود توجه کنید.

## بخش ۱

**تعلیم:** کلمه پاتریارک یا پدرسالاری ممکن است برای شما آشنا باشد. سه عدد از مشهورترین پدرسالارهای عهد عتیق، ابراهیم، اسحاق و یعقوب می‌باشند. کلمه پدرسالار از کلمه لاتین پاتری، یا پدر می‌آید. این مردان به عنوان پدران قوم یهود، ملت عبرانی محسوب می‌شوند. در پیدایش ۲۸: ۱۵-۲۲ می‌آموزیم که خدا یعقوب را برگزید تا وعده پیمان ابدی را به عهده بگیرد.

**تکلیف:** پیدایش ۲۸: ۱۰-۲۲ را بخوانید. بگذارید در حالیکه با یعقوب سفر می‌کنیم، به داستان ادامه دهیم. یعقوب بئرشبع مکانی که والدینش می‌زیستند ترک گفته و به سوی حران که پدان آرام نیز نام دارد و مسکن دایی او لابان است سفر می‌کند (پیدایش ۱۰: ۲۸).

### تمرین:

۱- یعقوب در راه خود است. او چه کار می‌کند؟ (آیه ۱۱)

---

۲- رویای او را در آیه ۱۲ توصیف کنید

---

الف. طبق آیه ۱۳ در بالای نردبان چه کسی بود؟

---

ب. او گفت چه کسی است؟

---

پ. او گفت که او چه خواهد داد؟

---

ت. در آیه ۱۴ او چه وعده‌ای به یعقوب و فرزندانش داد؟

---

ث. چه کسانی توسط یعقوب و فرزندانش او برکت خواهند گرفت؟

---

۳- در آیه ۱۵ او چه وعده‌ای داد؟

الف. من هستم

---

ب. و خواهم

---

پ. و خواهم

---

ت. من نخواهم

۴- یک بار دیگر وعده سرزمین و فرزند داده شده است. همان وعده‌ای که به ابراهیم و اسحاق داد، به یعقوب داده شده است. او به آگاهی از حضور خداوند بیدار می‌شود (آیه ۱۶). عکس‌العمل او در آیه ۱۷ چیست؟

۵- او چه می‌گوید؟

۶- ظاهراً این رویا در نیمه‌شب روی داد زیرا آیه ۱۸ در ادامه می‌گوید که: «صبح خیلی زود...» یعقوب چه کار کرد؟

۷- او نام این مکان را چه نهاد؟ به پاورقی کتاب مقدس‌تان نگاه کنید. ممکن است معنی کلمه بیت‌ئیل را به شما بدهد. کلمه بیت‌ئیل از دو کلمه به وجود می‌آید. بیت به معنی خانه و ئیل به معنی خدا است.

۸- در آیات ۲۰-۲۲ یعقوب تعهدی داد. این تعهد ترکیبی از اگر و پس بود.

الف. قسمت اگر چیست؟

ب. قسمت پس چیست؟

یعقوب می‌گوید که اگر (۱) خدا با من باشد و از من مراقبت کند، (۲) خوراک و پوشاک مرا بدهد، و (۳) او را در امنیت و سالم به خانه پدرش بازگرداند، پس (۱) خداوند خدای او خواهد بود، (۲) سنگ یا ستون خانه خدا خواهد بود، و (۳) هر آنچه که خدا به او بدهد، او یک دهم آن را به خدا بر می‌گرداند.

۹- پیدایش ۲۸: ۲۲ اولین مرجع کتاب مقدسی درباره دادن هدایا به خداست. یعقوب تعیین نمود که ده درصد آنچه که دریافت نماید به خداوند برگرداند. یک دهم هدیه او بود. در قسمت‌های دیگر کتاب مقدس از ثروت یا دارایی و ملک و املاک به عنوان هدایا نام می‌برند. بخشیدن هدایا از آن زمان از طریق نسل‌ها دست به دست به زمان حاضر انتقال یافته است. در کلیساها مانند یعقوب عمل می‌کنند. هدیه ده یک اصولی است که از آن پیروی می‌کنند. هدیه دادن به خانه خدا در ما این فکر را ثابت می‌سازد که هر چه که داریم از خداوند می‌آید. او کسی است که هر آنچه داریم و برای زندگی نیاز داریم فراهم می‌سازد.

## بخش ۲

**بازتاب:** بار دیگر لازم است در مطالعه خود توقف کنیم و فرصتی را به فکر و تامل خود درباره تمام آنچه روی داده است بدهیم. یعقوب به خانه دایی خود لابان فرار کرد. او برای حفظ جان خود می‌کوشد. در سر راه خود شی را در بیابان زیر آسمان پر ستاره سر بر سنگی گذاشته و می‌خوابد. رویایی می‌بیند که مانند رویای قدیمی او نیست. این رویا خوابیست که خداوند نزد او آمده و وعده خاصی به او می‌بخشد که هر آنچه که به ابراهیم و اسحاق داد، حالا به او می‌دهد. سرزمین وعده حالا متعلق به او و فرزندان اوست و فرزندان او مانند خاک روی زمین پخش خواهند شد. بالاتر از همه، تمام مردم روی زمین توسط او و فرزندان او برکت می‌یابند. یعقوب به حضور خداوند در این مکان پی می‌برد و یادبودی از سنگ برای خداوند می‌سازد و روی این سنگ روغنی می‌ریزد که آن را از سنگ‌های دیگر جهت دعا و عبادت متمایز می‌سازد. او تعهدی به خدا می‌سپارد که با اگرها و سپس‌ها آغاز می‌شود و شامل تعهد آوردن هدایا به حضور خدا می‌باشد. این خلاصه داستان است. این نقطه عطفی و آغاز نوینی برای یعقوب است. قبل از این چنین چیزی را یعقوب از خدای پدرش دریافت کرده بود؟ خدا برای او چه معنی و اهمیتی داشت؟ هیچ؟ بدون تردید حضور خدا در این مکان بود. یعقوب می‌ترسید. او دریافت که این مکان، جایی عادی و معمولی نیست. اما بسیار عالی بود. چیزی به غیر از خانه خدا و دروازه بهشت نبود. مثل اینکه آن شب و روز بعد تمام زندگی در نظر یعقوب تغییر کرد. آماده بود که خدا را آزمایش کند. تو از من مراقبت کن زیرا می‌ترسم که مرا بکشند. من چیزی ندارم بنابراین تو برایم غذا و لباس فراهم کن. من از خانه‌ام، خانواده‌ام و هر آنچه به آن خو گرفته و دوست دارم، فرار می‌کنم. تو مرا صحیح و سالم به خانه برگردان. چه جرأت و گستاخی که به خدا دستور می‌دهد تمام این چیزها را برایش فراهم کند! آیا تا به حال من اینگونه گستاخ بوده‌ام که از خدا بخواهم خواسته‌های دلم را تامین کند؟ چه زمانی ممکن است چنین کاری صورت گرفته باشد؟

---

اگر قبلاً چنین گستاخ نبوده‌ام، چه چیزی بر قلبم سنگینی می‌کند که می‌خواهم درخواست کنم که از محبت خداوند برای خود اطمینان یابم؟ چه چیزی از محبت خداوند به من اطمینان می‌بخشد که او می‌خواهد خدای من باشد و من فرزند او؟

---

یعقوب نیز به خداوند تعهد می‌کند که خداوند، خدای او باشد، که او این مکان را به عنوان خانه خدا محترم شمارد و یک دهم از آنچه خدا به او می‌بخشد به خدا برگرداند. این خدا، همان خدای توست؟ آیا او را به عنوان خدایی که نیازهای دلت را برآورده می‌سازد، پذیرفته‌ای؟ یعقوب احساس کرد که با دادن هدیه ده‌یک به رابطه خود با خداوند شهادت می‌دهد. شما چگونه به رابطه خود با خداوند شهادت می‌دهید؟

---

**دعا:** خداوندا، تو زمانی که یعقوب در سرافکنندگی به سر می‌برد به او ظاهر شدی. او فراری بود. او ناامید، نیازمند و دور از هر چیزی که در زندگی داشت به سر می‌برد. در تنهایی و ناامیدی، تو آمدی و از حضور خود به او اطمینان دادی و پیمانی را که با پدر بزرگش بسته بودی به او اعلام کردی و بخشیدی. تو تغییر نکرده بودی. کلام تو تغییر نکرده بود. از تو درخواست می‌کنم که در تنهایی من نزد من بیایی. تو نیازهای دل مرا می‌دانی. از تو سپاسگزارم که خدای من هستی و مرا تا ابد فرزند خود ساختی. باشد که من شهامت آن را داشته باشم که تو را شهادت دهم و به رابطه‌ای که بین ما توسط پسر عیسی به وجود آمده است، اعتراف نمایم. امیدوارم که شجاعت و سخاوتمندی، آنچه را که به من دادی با سپاسگزاری و ستایش به تو برگردانم.

### بخش ۳

**مقدمه:** یعقوب بیت‌ئیل، مکان رویایش را ترک می‌کند و به سفر خود به سوی حران ادامه می‌دهد. او به سرزمین مردم مشرق زمین وارد می‌شود. چاهی در آن محل بود و سه گلهٔ گوسفند در آن نزدیکی دراز کشیده بودند. این چاه برای آب گوسفندان بود و سنگ بزرگی روی چاه گذاشته بودند. وقتی که همهٔ گوسفندان جمع می‌شدند، چوپانان سنگ را از روی چاه کنار می‌زدند. آبی که از چاه گرفته می‌شد برای گوسفندان بود. و وقتی که گوسفندان سیراب می‌شدند، چوپانان سنگ‌ها را به دهانهٔ چاه بر می‌گرداندند.

**تکلیف:** پیدایش ۲۹: ۱-۱۴ را بخوانید. در این آیات لابان و لیه به ما معرفی می‌شوند. به خاطر داشته باشید که لابان برادر ربکا و دایی یعقوب است.

۱- در آیهٔ ۴ یعقوب به چه چیزی پی می‌برد؟ \_\_\_\_\_

۲- در آیهٔ ۵ یعقوب چه درخواستی می‌کند؟ \_\_\_\_\_

۳- در آیهٔ ۶ می‌آموزد که لابان خوب است و دختر لابان، راحیل معرفی می‌شود. در آیهٔ ۷ یعقوب اشاره می‌کند که گوسفندانی که در اطراف دراز کشیده‌اند به آب احتیاج دارند و باید به علف‌زار برگردند. چه مشکلی در آیهٔ ۸ وجود دارد؟ \_\_\_\_\_

۴- راحیل با گوسفندان پدرش به سوی چاه آب آمد. راحیل یک \_\_\_\_\_ بود.

۵- وقتی که یعقوب راحیل را دید چه کرد (آیهٔ ۱۰)؟ \_\_\_\_\_

۶- در آیات ۱۱ و ۱۲ یعقوب خود را به راحیل معرفی می‌کند و راحیل به طرف خانه می‌دود تا به پدرش بگوید. وقتی که لابان خبر آمدن یعقوب را شنید چه کرد؟ (آیهٔ ۱۳) \_\_\_\_\_

۷- وقتی یعقوب تمام وقایع را تعریف کرد، لابان چه عکس‌العملی نشان داد (آیهٔ ۱۴)؟ \_\_\_\_\_

## بخش ۴

**تعلیم:** پس از آنکه همه این رویدادها در زندگی یعقوب رخ داده است، او پناهگاهی یافت. خانواده مادرش، که هرگز آنها را ندیده بود، به عنوان عضوی از خانواده لابان از او استقبال کرد و به او گفت: «تو پوست و استخوان من هستی». اما یعقوب پی خواهد برد که پوست و استخوان او بودن چه معنی می‌دهد. خصوصیات این خانواده ریشه عمیقی دارد.

**تکلیف:** پیدایش ۲۹: ۱۴-۳۰ را بخوانید. زیر کلمه‌ای را که در این قسمت نشان می‌دهد که خصوصیت لابان و خانواده ربکاست خط بکشید. این کلمه چیست؟ \_\_\_\_\_

**تمرین:** در پیدایش ۲۹: ۱۴ لابان و یعقوب وارد مذاکره درباره دستمزد می‌شوند.

۱- یعقوب یک ماه است که با لابان زندگی می‌کند و لابان فکر می‌کند چون یعقوب خوشاوند اوست، به این معنی نیست که به طور رایگان کار کند. در آیه ۱۵، لابان چه درخواست می‌کند؟ \_\_\_\_\_

۲- در آیات ۱۶ و ۱۷ با دو دختر لابان آشنا می‌شویم. دختر بزرگتر \_\_\_\_\_ نام دارد و دختر کوچکتر \_\_\_\_\_ نام دارد.

الف. لیه چگونه توصیف می‌شود؟ \_\_\_\_\_

ب. راحیل چگونه توصیف می‌شود؟ \_\_\_\_\_

۳- آیه ۱۸ به ما می‌گوید که یعقوب عاشق راحیل بود. یعقوب چه پیشنهادی در مورد دستمزد به لابان داد؟ \_\_\_\_\_

۴- لابان موافقت نمود و فکر می‌کرد که بهتر است دخترش را به یعقوب دهد تا به یک مرد بیگانه. طبق آیه ۲۰ یعقوب کار خود را برای لابان با این تصور که راحیل همسرش می‌شود، چگونه در نظر آورد؟ \_\_\_\_\_

۵- زمانی که \_\_\_\_\_ سال تمام شد، یعقوب به لابان گفت که در واقع سال‌های خدمتش به پایان رسیده است و سهم خود را از قرارداد انجام داده است و می‌خواهد با همسرش (راحیل) زندگی کند. لابان موافقت نمود و جشن گرفت. لابان چه کار کرد (آیه ۲۲)؟ \_\_\_\_\_

۶- اما داستان پیچیده می‌شود. در آیه ۲۳ لابان چه می‌کند؟ \_\_\_\_\_

حال لیه همسر یعقوب است. لابان به دخترش لیه خدمتکاری داد که \_\_\_\_\_ نام داشت.

۷- هنگام صبح، حقیقت آشکار شد. لیه در کنار یعقوب خوابیده بود. نیازی به گفتن نیست که یعقوب نزد لابان رفت. در آیه ۲۵ او از لابان چه پرسید؟ \_\_\_\_\_

یعقوب به او می‌گوید «من برای همسری راحیل برای تو کار کردم، اینطور نیست؟» و بعد سوالی پیش می‌آید که حقیقت شرایط را آشکار می‌سازد: \_\_\_\_\_

۸- پس از آنکه یعقوب را فریب می‌دهد، در آیه ۳۶ لابان به او چه می‌گوید؟ \_\_\_\_\_

آداب و رسوم آن عهد مقرر می‌داشت که اول بایستی دختر بزرگتر ازدواج کند. لابان موافقت نمود که راحیل را در ازای هفت سال کار مجدد به ازدواج یعقوب در آورد. آیه ۲۸ می‌گوید «یعقوب چنین کرد». یعقوب هفت سال عروسی را با لیه تمام کرد و سپس راحیل را به عنوان همسر دریافت نمود. علاوه بر آن، لابان \_\_\_\_\_ را به عنوان خدمتکار به راحیل داد (آیه ۲۹).

۹- آیه ۳۰ درباره رابطه یعقوب با دو همسرش صحبت می‌کند. او در خانه‌ای پرورش یافته بود که والدینش بین فرزندان خود استثنا قائل می‌شدند و حالا خود او در خانه‌ای زندگی می‌کند که یک همسر را بیشتر از دیگری دوست دارد. او برای لابان \_\_\_\_\_ سال دیگر کار کرد.

**بازتاب:** در اینجا چند مورد به فکرمان خطور می‌کند که در نظر گیریم:

۱- یکی از موارد بر لیه تمرکز دارد، زنی که پدرش از او استفاده نمود که مردی را فریب دهد که اکنون شوهر اوست و مردی که او را دوست نداشت. اگر جای لیه بودید چه احساسی داشتید؟ او دختر زیبایی نبود. کتاب مقدس او را زنی با چشمانی کم‌سو و ضعیف توصیف می‌کند. او سنش بالا بود و ازدواج نکرده بود. خواهرش راحیل بدون تردید خواستار بسیار داشت. لیه از رسم و رسوم قوم خود آگاه بود. در مدت هفت سال اول آیا می‌دانست که از طریق خدعه و فریب به ازدواج یعقوب در خواهد آمد؟ آیا می‌دانست که ازدواج می‌کند و از لحظه‌ای می‌هراسد که همه چیز آشکار شود و ناامیدی واقعی یعقوب را نسبت به خود احساس کند؟

۲- برای یک لحظه فرض کنید که شما روزنامه‌نگاری هستید که باید با لیه مصاحبه کنید. چه سوالی مایلید از او بپرسید؟ چه سوالی مورد علاقه خواننده گزارش شماست که نوعی بصیرت درباره آنچه که اتفاق افتاده است به دست می‌دهد؟ آیا لیه بخشی از توطئه فریب بود؟ او قربانی بی‌گناهی بود؟ چه احساسی دارید که شما را همیشه با خواهر کوچکتر و یا برادر بزرگترتان مقایسه کنند؟ اگر در موقعیتی قرار گیرید که همه انتظار داشته باشند که در شما زیبایی ظاهری و جذابیت مشاهده کنند، چگونه احساسی به شما دست می‌دهد؟ چند تا سوال را برای مصاحبه خود بنویسید:



---

---

---

---

---

---

---

---

## بخش ۵

### کاربرد:

۱- شاید تجربه‌ای برای رقابت و یا حتی برای محبت داشته‌اید. چه کسی رقیب شما بود؟ چه امتیازی آن شخص داشت که شما خود را کمتر از او دیدید؟

---

۲- چه چیزی بود که همیشه آرزو می‌کردید که داشته باشید که احساس کنید با ارزش‌تر از دیگران هستید؟

---

۳- دیگران چگونه با شما رفتار کردند؟ تجربه شما چه بود؟

---

۴- چگونه اجازه دادید رفتار آنها چنان احساسی در شما ایجاد کند؟

---

**دعا:** خداوند، تو آگاهی که چه دردی در درونم احساس می‌کنم زیرا خود را کمتر از دیگران به حساب می‌آورم. به نظر می‌رسد که دیگران، خوش‌منظر و با استعداد و توانا، بسیار باهوش و با استعداد هستند و شخصیتی دارند که آنها را جذاب می‌نماید. به من توانایی بده که از تو سپاسگزار باشم که مرا همینطور که هستم خلق کرده‌ای. تو را شکر می‌کنم که مرا دوست داری و مرا با وفاداریت برکت می‌دهی.

**بازتاب:** فکر دیگری که باید در نظر گرفت، درباره یعقوب است. او در انتهای دیگر این فریب بود. او و لابان قراردادی داشتند که او بایستی جهت به دست آوردن راحیل هفت سال کار کند و او دقیقاً همین کار را انجام داد. حال زمان فرا رسیده و آماده است که راحیل را به چادر خود ببرد و در کنار خود داشته باشد. حجاب و تاریکی بدون تردید این امکان را برای لابان فراهم کرد که نقشه فریب کارانه خود را به اجرا در آورد. اما در روشنایی صبح حقیقت آشکار شد. آن لحظه حقیقت را مجسم کنید.

وقتی که چشمان کسی به حقیقت گشوده می‌شود چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌توانیم به گذشته برگشته و نگاهی به آدم و حوا در باغ بیاندازیم. ۳:۷ وقتی که می‌گوید که چشمان هر دوی آنها باز شد. چقدر احساس حماقت می‌کنیم! احساس می‌کنیم که دستمان رو شده و آسیب‌پذیر هستیم. و پی می‌بریم که چه آسان گول می‌خوریم. از خود می‌پرسیم: چرا اینقدر احمق بودم؟ گناه ما را از ضعفها و سستی‌هایمان آگاه می‌سازد و به این صورت کوشش داریم از خود دفاع کنیم تا خود را از تمام آنچه فریبنده است محافظت نماییم. در عین حال، ما نیز مانند یعقوب چه بسیار اوقات بر آنچه که باور داریم حقیقت دارد تمرکز می‌کنیم تا آنکه بر آنچه که حقیقت است بیانداشیم.

## کاربرد شخصی:

۱- آیا هرگز تجربه کرده‌اید که کسی که مورد اعتمادتان بوده، شما را فریب داده باشد؟ آن شخص کی بود؟ و در چه شرایطی اتفاق افتاد؟

۲- فریب می‌تواند در ما کینه ایجاد کند، چنانکه برای عیسو پیش آمد. عکس‌العمل شما در مقابل فریبی که تجربه کردید چه بود؟

۳- اگر فریب سبب شده است که از کسی کینه به دل بگیرید، خداوند از شما دعوت می‌کند که از سنگینی باری که شما را پایین می‌آورد و مانع زندگی کامل شما می‌شود، آزاد شوید. شما دعوت می‌شوید که بگذارید خدا این بار سنگین را از دوش شما بردارد و برای شما حمل نماید.

**دعا:** خداوند، چه بسیار اوقات فریب می‌خورم و به جای آنکه حقیقت کلام تو را باور کنم، دروغ‌های شیرین را باور می‌کنم. من از تبلیغات نادرست، شناخت نادرست کالاها و خدمات، توسط رهبران و دوستان و حتی اعضای خانواده فریب می‌خورم. حتی گاهی انتخاب می‌کنم که خود را با دروغ‌ها فریب دهم؛ مرا ببخش. می‌خواهم با حقیقت زندگی کنم. می‌خواهم واقعیت را بدانم. می‌خواهم عیسی را بشناسم و به عنوان کسی که راه و راستی و حقیقت و حیات است باور کنم.

## درس پنجم

# او را حیل را بیشتر از لیه

# دوست داشت

پیدایش ۲۹ و ۳۰ – تولد پسران یعقوب

بررسی اجمالی درس ۵

بررسی

۵۳

مقدمه

درس ۵: پیدایش ۲۹ و ۳۰

۵۴

• پسرانی که برای یعقوب و لیه به دنیا آمدند

۵۶

• حسادت را حیل و تنهایی لیه

۵۸

• را حیل عقیم می ماند

۶۰

• را حیل پسری به دنیا می آورد

۶۲

• وحشت حسادت

## مقدمه

حالا یعقوب با لیه و راحیل دو دختر دایی خود لابان ازدواج کرده است. در درس ۴ آموختیم که چگونه دروغ و فریب اثر پایداری بر این دو خواهر و یعقوب گذاشته است. در نتیجه، بسیاری از روابط متقابل در این خانواده در فشار است. این درس ویژگی‌های شخصی یعقوب را که همچنین شباهت به بخشی از زندگی خانوادگی او با ربکا و اسحاق داشت، آشکار می‌سازد. درباره این خصوصیت و خسارتی که در هر رابطه ایجاد کرده بود، بیاموزید- آسیبی که در این رابطه بین یعقوب و هر یک از همسرانش به وجود آمده و کینه‌ای که بین خواهران وجود داشت. ببینید چگونه این ویژگی خود را در خانواده یعقوب آشکار می‌سازد.

یعقوب از داشتن پسران متعدد برکت یافت. این پسران از طرف لیه و راحیل نامگذاری می‌شدند. این نام‌ها از دل مادران‌شان خبر می‌دهد. دریابید که چه اتفاقی در این سال‌ها که صاحب فرزند شدند برای آنها رخ داده است. آیا دوباره نمی‌پرسید «در تمام این مسائل خدا کجاست؟»

این داستان فرصتی به ما می‌دهد که به بازتاب‌های شخصی رسیدگی کنیم. به طور مثال می‌خواستید به جای کدام شخصیت این داستان باشید؟ چرا؟ اگر جای لیه بودید چه احساسی داشتید؟ و یا جای راحیل اگر بودید؟ آیا هرگز احساس کردید که مانند یکی از آنها هستید؟ اسامی آنها چه تاثیری در احساسی که از خود داشتند دارد؟ اسم شما چه اهمیتی برای شما دارد؟

به خاطر داشته باشید که خدا همچنان عهد خود را نگاه می‌دارد- عهدی که با ابراهیم بست و آن را به اسحاق منتقل کرد و حال عهد خود را در زندگی یعقوب به جا می‌آورد. علیرغم تمام آنچه که در این خانواده روی می‌دهد، وعده بر جای خود برقرار است. در حالیکه درس ۵ را مطالعه می‌کنید، وفاداری خدا را دریابید و باشد که به او امید داشته باشید.

## بخش ۱

**مقدمه:** یعقوب ازدواج کرده است و لیه و راحیل همسران او هستند. راحیل جوان تر و زیباتر است. گفته می شود که یعقوب راحیل را \_\_\_\_\_ از لیه \_\_\_\_\_ . این فرق گذاشتن محیطی برای رقابت به وجود می آورد و حسادت بین خواهران افزایش می یابد. لابان به هر یک از دخترانش خدمتکاری داده است. خدمتکار لیه \_\_\_\_\_ بود و خدمتکار راحیل \_\_\_\_\_ بود.

شما را تشویق می نمایم که با اسامی پسران یعقوب که پدرسالاران بودند آشنا شوید (اعمال ۷: ۹). یاد گرفتن این اسامی اهمیت دارد. بعضی از اسامی برای شما ناآشناست در حالیکه سایر نامها را هنوز در عصر حاضر به کار می برند. ممکن است مایل باشید که شخصا از این اسامی نت برداری نمایید تا در آینده به آن مراجعه کنید. در بخش های دیگر کتاب مقدس هر یک از پسران و خانواده های شان نام قبیله ای هستند. تمام اسامی را به عنوان قبایل دوازده گانه اسرائیل می خوانند.

**تکلیف:** پیدایش ۲۹: ۳۱ تا ۳۰: ۲۴ را مطالعه کنید. ضمن خواندن زیر اسامی پسران یعقوب را خط بکشید.

**تعلیم:** رحم بارور در فرهنگ آن روز اهمیت فراوان داشت که آن زن مورد رحمت خداوند بود. از سوی دیگر زن عقیم مورد تحقیر اجتماع قرار می گرفت. همچون سارا و ربکا که هر دو عقیم بودند (پیدایش ۱۶: ۱؛ ۲۵: ۲۱). در پیدایش ۲۹: ۳۱ باز هم با مورد دیگری از رحم بارور و زن عقیم آشنا می شویم.

بخش دیگر فرهنگ چادرنشینی که لازم است درک کنیم، اهمیت داشتن مستخدمین است. قبلا در پیدایش ۱۶: ۳-۴ آموختیم که چون سارا عقیم بود، کنیز خود را که هاجر نام داشت به شوهرش ابراهیم داد که همسر او باشد. ابراهیم با هاجر همبستر شد و هاجر باردار گردید. کنیزان زلفه و بلهه را به عنوان همسر به یعقوب دادند (پیدایش ۳۰: ۴، ۹). او با هر یک از آنها همبستر شد و آنها باردار شدند. جالب توجه است که کتاب مقدس می آموزد که وقتی یک مرد و یک زن هم خوابه شوند، زن همسر آن مرد محسوب می شود. عمل رابطه جنسی یا مقاربت، اتحاد زن و مرد را در عمل اعلام می دارد. مقاربت عملی است که در آن شوهر و زن با هم یک می شوند (پیدایش ۲: ۲۴).



## بخش ۲

### تمرین ادامه دارد:

۱- در آیه ۳۴ سومین پسر لیه متولد می‌شود. نام او چیست و معنی آن چیست؟ (جدول) لیه ایمان داشت که حالا چه اتفاقی می‌افتد؟

---

الف. لیه آرزویش این بود که با شوهرش یکی شود. چه چیز سبب می‌شود که ما فکر کنیم او احساس می‌کرد مانند یک کنیز یا مستخدم است؟

---

ب. در این آیه چه دیدگاهی از درد و ناراحتی لیه وجود دارد؟

---

۲- آیه ۳۵ می‌گوید که لیه دوباره باردار شد و باز پسر دیگری زاید. نام این پسر و معنی آن چیست؟ به نظر می‌رسد که لیه به جای مهمی در زندگی خود رسیده است و دیگر ضرورتی ندارد که برای آنچه که ندارد تلاش کند از جمله \_\_\_\_\_ . بلکه تولد چهارمین پسر خود را به عنوان فرصتی برای \_\_\_\_\_ تلقی می‌نماید. انتهای آیه ۳۵ چه می‌گوید؟

---

۳- در این ضمن، در پیدایش ۳۰: ۱ راحیل در چه حالیست؟

---

الف. راحیل به خواهرش \_\_\_\_\_ می‌کند.

ب. حسادت، وحشت از جایگزین کردن است. این تعریف از حسادت چگونه در مورد شرایط راحیل به کار می‌رود؟

---

پ. راحیل به یعقوب چه دستوری می‌دهد؟

---

ت. و به طور آشکار در فشار قرار گرفته، با خشم و عصبانیت متقابلاً جواب می‌دهد:

---

مانند سارای در پیدایش ۱۶: ۲ یعقوب نیز عقیده دارد که خدا مانع بارداری اوست (پیدایش ۳۰: ۲).

ث. راحیل به یعقوب چه می‌گوید؟ (آیه ۳)

---

راحیل از حسادت، با ترس زندگی می‌کند. او در وحشت از دست دادن یعقوب است که ممکن است به سوی خواهرش لیه برود که تاکنون چهار پسر برایش آورده است. کوشش بسیار دارد که عشق و محبت یعقوب را حفظ کند.



۴- در پیدایش ۳۰: ۴-۶ گفته می‌شود که راحیل، کنیز خود بلهه را به یعقوب داد تا برایش فرزندی بیاورد. یعقوب با وی همبستر شده و بلهه پسری به دنیا می‌آورد. نام او چیست و معنی آن چیست؟ (جدول)

الف. چه کسی فرزند را نامگذاری کرد؟ \_\_\_\_\_

ب. به یاد آورید با ننگی که بر زن عقیم وارد است، چرا راحیل این نام را انتخاب کرد؟ \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ او عقیده دارد که تبرئه و رو سفید شده است. خدا به او پسری داده است و دیگر او را مقصر و گناهکار که در خور مجازات خداوند باشد، محسوب نمی‌کنند. او بی‌تقصیر است.

## تمرین ادامه دارد: (پیدایش ۳۰)

۵- بلهه دوباره باردار شد (آیات ۷-۸). نام فرزند چیست؟ و معنی آن چیست؟ (جدول). باز هم راحیل بچه را نامگذاری می‌کند. نام این فرزند چه چیزی را درباره راحیل آشکار می‌سازد؟

حسادت راحیل سبب شد که با خواهرش رقابت کند، زیرا هرچند توسط کنیزش بلهه صاحب دو پسر شده است، راحیل خود را پیروزمند می‌داند!

۶- آیات ۹-۱۱: لیه دیگر بچه‌دار نمی‌شد، از اینرو کنیز خود را به نام زلفه به همسری یعقوب داد. او پسری به دنیا آورد. نام کودک چیست و معنی آن چیست؟ (جدول). لیه خوشحال بود که فرزند پسر دیگری به یعقوب داده است. تغییراتی به وجود آمده است. اسم این پسر چه معنی می‌دهد؟ طرز رفتار لیه چه انعکاسی دارد؟ \_\_\_\_\_

۷- زلفه پسر دیگری برای یعقوب آورد. نام او چیست و معنی آن چیست؟ (جدول). حالا لیه چه طرز رفتار و برخوردی در اجتماع از خود نشان می‌دهد؟ \_\_\_\_\_ تقریباً می‌توان احساس کرد که خدا محبتی به او داده است که هرگز از یعقوب دریافت نکرد. حال دوستان مشاهده می‌کنند که لیه \_\_\_\_\_ منعکس کرد به جای آنکه \_\_\_\_\_ . این رنج و ناراحتی که زمانی خانواده و دوستان را پراکنده ساخت، حال با خوشحالی و استقبال و توجه دیگران جایگزین شده است.

۸- امیدواریم که در حال حاضر همه چیز بین خواهران و مستخدمین و یعقوب خوب پیش می‌رود. در آیات ۱۴ تا ۱۶ ذکر شده است که پسر لیه قدری مهرگیاه پیدا کرد و به مادرش داد. توجه: مهرگیاه، سبزی‌ای بود که برای درمان درد، زخم و از این قبیل به کار می‌رفت. این گیاه «سیب شیطان» نیز خوانده می‌شد و سیب عشق و محبت برای ایجاد بارداری به کار می‌رفت. راحیل گیاه را دید و درخواست کرد که به او هم بدهند. در این موقع می‌دانیم که جنگ و جدال بین دو خواهر تمام نشده است. در آیه ۱۵ لیه چه پاسخی می‌دهد؟ \_\_\_\_\_

۹- در آیات ۱۷ و ۱۸ می‌آموزیم که خدا به درخواست لیه جواب داد و او پنجمین پسر را به دنیا آورد. نام پسر چیست و معنی آن چیست؟ (جدول). به نظر می‌رسد که لیه فکر می‌کند شایستگی چه چیزی را دارد؟ \_\_\_\_\_

پاداش کسب شده به کسی که شایستگی آن را داشت اعطا شد. حال که زلفه هم مانند بلهه برای یعقوب پسرانی زایید، لیه چه احساسی دارد؟

۱۰- لیه ششمین پسر را به دنیا می‌آورد (آیات ۱۹-۲۰). اسم فرزند و معنی آن را در جدول بنویسید. حال یعقوب دارای ۱۰ پسر است. لیه این فرزند را هدیه‌ای ارزشمند می‌داند. لیه دیگر خواهان محبت از جانب شوهرش نیست. حال انتظار دارد چگونه با او رفتار کنند؟

---

لیه عقیده دارد چون شش پسر برای یعقوب آورده است، استحقاق دارد از جانب یعقوب مورد احترام و توجه قرار گیرد.

**بازتاب:** در فرصتی مناسب، افکار خود را در نظر بگیرید. چه اتفاقاتی بین این دو خواهر و شوهرشان روی می‌دهد؟ اگر در این شرایط می‌زیستید، چه احساسی داشتید؟

---

---

---

## بخش ۴

### تمرین ادامه دارد: (پیدایش ۳۰)

۱۱- آیه ۲۱ می‌گوید زمانی دیگر لیه دختری زایید به نام دینه. این تولد در کلام ذکر شده است زیرا اتفاقی رخ داد که در پیدایش ۳۴ ثبت شده است. ما این فصل را مطالعه نخواهیم کرد بنابراین اگر مایلید خودتان داستان را بخوانید.

۱۲- و، از راحیل چه خبر؟ در آیه ۲۲ به سادگی می‌گوید که خداوند راحیل را به خاطر آورد. به درخواست راحیل گوش داد و رحم او را بارور ساخت. نام پسرش چیست؟ نام او چه معنی دارد؟ (جدول). سرانجام او حامله شد و خداوند ننگ و رسوایی را از او دور کرد. و بلادرنگ او چه درخواستی می‌کند؟

۱۳- در فصل‌های ۲۹ و ۳۰ گزارش تولد یازده پسر یعقوب ذکر شده است. اما در عین حال یک پسر دیگر به دنیا می‌آید. برای آنکه درباره این پسر بدانیم باید به پیدایش ۳۵: ۱۶-۲۰ برگردیم.

الف. یعقوب خانواده‌اش را از بیت‌ئیل بیرون آورد. بیت‌ئیل مکانی بود که در آن رویا دید و جایی است که خداوند عهدی را که با ابراهیم و اسحاق بسته بود، با یعقوب تجدید نمود. آنها از بیت‌ئیل حرکت کرده که از افراته (شهر بیت‌لحم) چندان دور نبودند، و در آیه ۱۶ چه اتفاقی روی می‌دهد؟

ب. در آیه ۱۷ قابله به راحیل خبر می‌دهد که صاحب پسر دیگری شده است. راحیل نام پسر را «بن اونی» نهاد اما پدرش او را چه نامید و معنی آن چیست؟ (جدول) خداوند به درخواست راحیل پاسخ داد (پیدایش ۳۰: ۲۴) و پسر دیگری به او داد. و سپس راحیل در هنگام زایمان در گذشت. یعقوب راحیل را دست راست خود می‌دانست، کسی که او را بسیار دوست داشت و حالا بایستی او را به خاک بسپارد.

۱۴- قبل از آنکه یعقوب بتواند به خانه پدری برگردد، راحیل درگذشت (آیه ۲۱). در آیه ۲۸ گفته می‌شود که اسحاق در سن ۱۸۰ سالگی درگذشت. پسران او \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ او را به خاک سپردند (آیه ۲۹).

**بازتاب:** بار دیگر، با مطالعه این قسمت از پیدایش، افکار و نظریات متعددی به ذهن ما خطور می‌کند. نظریات، سوالات و احساسات افراد فرصتی به دست می‌دهد که درباره این دروس بحث و گفتگویی صورت گیرد. به خاطر داشته باشید که برای بعضی سوال‌ها جوابی وجود ندارد. ما فقط کلام مکتوب خداوند را در دست داریم تا به حقیقت خداوند درباره بشریت پی ببریم. تمام آنچه را که در این درس آموختیم، ضرورتاً برای مطالعه ما نبود، اما هرچه اطلاعات و دانش بیشتر کسب نماییم، به درک عمیق‌تری از خدا می‌رسیم که آرزوی این است که همه ما با او در رابطه‌ای از محبت و بخشش تا ابد به سر ببریم.

۱- بعضی از نظریات خود را در مورد این داستان بنویسید. چه سوالاتی مایلید از شخصیت‌های گوناگون بپرسید؟

الف. یعقوب \_\_\_\_\_

ب. لیه \_\_\_\_\_

پ. زلفه \_\_\_\_\_

ت. راحیل \_\_\_\_\_

ث. بلهه \_\_\_\_\_

۲- تجربه شخصی می‌تواند عواطف و احساسات پر قدرتی در ما برانگیزد. در حالیکه این داستان را در پیدایش ۲۹ و

۳۰ می‌خوانید، نظریات و افکار خود را بنویسید. \_\_\_\_\_

سرگذشت ابراهیم، اسحاق و یعقوب، پیدایش هستند که آغاز تاریخ اسرائیل می‌باشد. داستان این افراد که خداوند با محبت خود آنها را برکت داد، به ما اطمینان می‌بخشد که وعده‌ای که خداوند در پیدایش ۱۲ داده است به انجام می‌رسد. در طول تاریخ اسرائیل، خداوند پیمان خود را نگاه داشت، این پیمان که توسط این قوم تمام مردم دنیا برکت خواهند یافت.

## بخش ۵

**تعلیم:** در پیدایش ۳۰: ۱ پی می‌بریم که راحیل نسبت به خواهرش حسادت داشت. در عین حال راحیل بود که از محبت یعقوب بهره‌مند بود. پیدایش ۲۹: ۳۰ حاکی است که یعقوب راحیل را بیشتر از لیه دوست داشت. چرا راحیل نسبت به خواهرش که از محبت شوهری که هر دو دارند بی‌بهره است حسادت ورزد؟ چرا راحیل از بچه‌دار شدن لیه حسودی می‌کرد؟ مگر راحیل زن مورد علاقه یعقوب نبود؟ به یاد داشته باشید که حسادت، وحشت از جایگزین شدن است. راحیل از این وحشت داشت که یعقوب لیه را بیشتر دوست بدارد. راحیل می‌ترسید که لیه جای او را در قلب یعقوب بگیرد. حسادت روابط را از بین می‌برد زیرا در ترس ریشه دارد. وقتی از روی ترس کاری انجام می‌دهیم، افکار ما منحرف شده و به طور نامعقول عمل می‌کنیم. راحیل از این وحشت داشت که لیه با آوردن شش پسر، بتواند محبت یعقوب را به خودش اختصاص دهد.

### کاربرد شخصی: شما چه تجربه‌ای با مسئله حسادت داشته‌اید؟

۱- آیا در زندگی حسادت را تجربه کرده‌اید؟ \_\_\_\_\_

۲- از چه می‌ترسیدید؟ چگونه ترس از جایگزینی خود را آشکار ساخت؟ \_\_\_\_\_

۳- آیا نیاز دارید که به حسادت خود اعتراف کنید؟ آیا با این وحشت زندگی کرده‌اید که ممکن است جایگزین شوید؟  
که جای شما در رابطه شما در خانه، یا کار و شغل به خطر افتد؟ \_\_\_\_\_

۴- شخص حسود پیوسته از موفقیت دیگران، از دوستی دیگران، و پایگاه‌های اجتماعی دیگران احساس خطر می‌کند. درک و شناخت توانایی افراد در انجام هر کاری در مقایسه با اعمال دیگران، افکار ترس و تردید در آنها بر می‌انگیزد. احساس ناتوانی و عدم شایستگی، آنها را از تشویق دیگران که موجب اعتماد و استحکام شخصیت آنها شود، باز می‌دارد. آیا زمانی بوده که شما از تشویق و تایید دیگران به علت حسادت، خودداری کرده‌اید؟ \_\_\_\_\_

**دعا:** خداوند باید اعتراف کنم که با توانایی‌ها و استعدادهای دیگران مورد تهدید قرار گرفته‌ام. به سبب ترس از دست دادن شغلم، به جای بنا کردن کسی، دریافته‌ام که در فکر نابودی او بوده‌ام. در غیاب دیگران صحبت می‌کنم که خود را خوب نشان دهم و در تمام مدت خود را بیشتر آزار می‌دهم. افکار خودپسندانه مرا ببخش و مرا از خودم آزاد ساز تا به راههایی بروم که با افکار نیکو و کلام تشویق‌آمیز و کارهای محبت‌آمیز دیگران را برکت دهم. تو را شکر می‌کنم که زندگی مرا با همه نعمت‌ها برکت داده‌ای. \_\_\_\_\_

## درس ششم

# عبور از رودخانهٔ یبوق

پیدایش ۳۲ و ۳۳ – یعقوب با خدا کشتی می‌گیرد

بررسی اجمالی درس ۶

بررسی

۶۴

مقدمه

درس ۶: پیدایش ۳۲ و ۳۳

۶۵

• یعقوب برای دیدار با عیسو آماده می‌شود

۶۷

• کاروان یعقوب از رودخانهٔ یبوق عبور می‌کنند

۶۹

• خدا به یعقوب نام جدیدی می‌دهد

۷۱

• برادرها دوباره متحد می‌شوند

۷۳

• آشتی بین یعقوب و عیسو

## مقدمه

به نظر می‌رسد که زندگی یعقوب از یک بحران به بحران دیگر می‌رسد. این بار چه آشفته‌گی رخ می‌دهد؟ در درس ۶ از ثروت یعقوب آگاه می‌شویم. خداوند تا حد زیادی قبیله، اموال و املاک، گله‌ها و اسب‌ها و شترها و حتی خدمتکارانش را گسترش داده است. حال وقت آن است که خانهٔ لابان را ترک نماید و زندگی خود را در دست گیرد.

اما کسی وجود دارد که یعقوب باید با او آشتی کند. پس از تمام این سال‌ها، کاری بود که یعقوب ناتمام گذاشت. یاد بگیرید که یعقوب چه باید انجام دهد و توجه کنید که او چگونه شرایط را کنترل می‌نماید. فکر کنید که شما چگونه رفتار می‌کردید؟ در شرایط یعقوب، خداوند انتخاب نمود که به نحوی عجیب خود را بر او آشکار نماید. به نتایج این رویارویی توجه کنید. خدا چه گفت؟ خدا چه کرد؟ چه اتفاقی برای یعقوب رخ داد؟ اگر ما با خداوند روبرو شویم چه اتفاقی می‌افتد؟

درس ۶ هیجان‌انگیز است. یعقوب با تمام ثروتش، می‌آموخت که وفاداری خدا در تمام مدت عمرش با او خواهد بود و او را با امید خود قدرت می‌بخشد.



## بخش ۱

**مقدمه:** خوب، عیسو چه شد؟ او ناگهان ناپدید شد؟ بین عیسو و یعقوب چه اتفاقی رخ داد؟ آیا هرگز دوباره یکدیگر را دیدند؟ این دو قلوبا بدون تردید در ظاهر و شخصیت و دل‌شان با هم متفاوت بودند. رابطه آنها به قدری از هم پاشیده بود که یعقوب ناگزیر از فرار شد، زیرا عیسو قصد داشت او را بکشد. در این درس می‌آموزیم که پس از سال‌ها دوری، چگونه این دو برادر یکدیگر را ملاقات کردند. یعقوب پیشرفت کرده است و خانواده‌ای بزرگ و ثروتی سرشار دارد. حال وقت آن است که با برادرش روبرو شود. آیا عیسو هنوز قصد انتقام دارد و می‌خواهد برادرش را بکشد؟ یعقوب به این امر پی خواهد برد.

**تکلیف:** پیدایش ۳۲: ۳-۲۱ را بخوانید. توجه: این درس مطالب بسیاری را در بر می‌گیرد، اما چندان به تمام جزئیات اشاره نمی‌شود.

**تمرین:** یعقوب برای تماس با برادرش پیش قدم می‌شود.

۱- در آیه ۳، اولین کاری که یعقوب می‌کند چیست؟ \_\_\_\_\_

۲- عیسو کجاست؟ \_\_\_\_\_

نگاهی به نقشه بیندازید و ادم را پیدا کنید. این مکان همچنین سعیر نام دارد. ادم قلمرویی در جنوب شرقی دریای مرده یا دریای نمک می‌باشد.

۳- سه چیزی که می‌خواهد در پیام به برادرش بگوید، چیست؟

الف. \_\_\_\_\_

ب. \_\_\_\_\_

پ. \_\_\_\_\_

یعقوب می‌خواهد عیسو بداند که او کجا بوده است، ثروتی به دست آورده، و می‌خواهد مورد لطف او قرار گیرد. یعقوب خاطرنشان می‌سازد که مایل است و قدرت آن را دارد که هدیه‌ای به برادر بدهد، و رابطه او با عیسو بسیار مهم‌تر از ثروت اوست.

۴- در آیه ۶، قاصد چه گزارشی به یعقوب داد؟ \_\_\_\_\_

۵- در آیه ۷-۸ عکس‌العمل یعقوب درباره این گزارش چه بود؟ \_\_\_\_\_

۶- نقشه او برای اقدام فوری چه بود؟ \_\_\_\_\_

۷- یعقوب نزد خداوند دعا کرد. دعای یعقوب در آیات ۹-۱۲ چه بود؟ چهار مورد را در نظر بیاورید:

الف. خدا کیست (آیه ۹)؟

ب. او کیست (آیه ۱۰)؟

پ. او چه درخواست می کند (آیه ۱۱)؟

ت. خدا چه وعده‌ای داده بود (آیه ۱۲)؟

۸- نقشه یعقوب ترس او را از برادرش آشکار می‌سازد. به جای آنکه مانند یک رهبر و رئیس خانواده و گله‌اش، ایستادگی نماید، بر عکس خانواده و اموال خود را به گروه‌های متعددی تقسیم کرد و هدیه‌ای برای عیسو در نظر گرفت. هدیه چیست (آیات ۱۴-۱۵)؟ یعقوب دقیقاً چه هدیه‌ای انتخاب کرد؟

الف. بز:

ب. گوسفند:

پ. شتر:

ت. گاو:

ث. الاغ:

۹- چه کسی کاروان را هدایت نمود (آیه ۱۶)؟

۱۰- به مستخدمین دستور داد که هنگام دیدار عیسو چه بگویند (آیات ۱۷-۲۰)؟

۱۱- آیه ۲۰ نیت یعقوب را آشکار می‌سازد. او به چه فکر می‌کرد؟

هدایا به همراهی مستخدمین جلوتر از یعقوب راه افتادند. یعقوب عقب ماند و شب را در چادرش به سر برد.

## بخش ۲

**بازتاب:** رهبری هدایت می‌کند. رهبری پیروانی دارد. یعقوب رییس یا سردسته قبیله خود است. به ملاقات برادر خود می‌رود که به همراه ۴۰۰ سپاه می‌آید. و او چه کسی را به رهبری قافله می‌فرستد؟ نوکرانش را! این خادمین هدیه‌ای با خود می‌برند که یعقوب فکر می‌کند برادرش را با آن راضی نموده و عیسو او را با صلح و آرامش می‌پذیرد.

۱- بسیار خوب، شما از طرف یک ایستگاه تلویزیونی محلی مامور هستید که با این برادرها گفتگو کنید. چه سوال‌هایی مایلید از یعقوب بپرسید؟ چه سوال‌هایی دوست دارید از راحیل و لیه بپرسید؟

---

۲- به نظر شما شخصیت یعقوب چگونه توصیف می‌شود؟

---

۳- چه مشاهداتی را گزارش می‌دهید؟

---

## کاربرد شخصی:

۱- آیا در موقعیت رهبری بوده‌اید که به نظرتان کار دشواری بوده است؟ چه ترس‌ها و نگرانی‌هایی در رهبری شما در شرایط به‌خصوصی تاثیر گذاشت؟

---

نمونه عدم موفقیت در مقام رهبری: گاهی اوقات والدین در ایفای نقش خود به عنوان رهبر تردید دارند. کودکان به سوی والدین خود برای راهنمایی و هدایت می‌روند و از والدین خود انتظار راهنمایی، تعیین حد و مرزی برای اعمال خود و تداوم در نشان دادن نمونه‌ای از ارزش‌های مطلوب دارند. اگر والدین رهبری نکنند و جایگاه محکمی در رهبری در خانه نداشته باشند، در کودکان خود تاثیر مثبت و سازنده‌ای نمی‌گذارند. اغلب کودکان از خود تصمیم می‌گیرند و بدون هدایت والدین با یکدیگر به زد و خورد می‌پردازند که مکرراً به شرارت و نافرمانی منجر می‌شود.

۲- نمونه‌های دیگر رهبری را که تجربه کرده‌اید بنویسید.

الف. برکت‌های رهبری مستحکم کدام است؟

---

ب. نتایج نامطلوب رهبری که به شکست منجر می‌شود چیست؟

---

**تکلیف:** به خواندن پیدایش ۳۲: ۲۲-۳۲ ادامه دهید.

**تعلیم:** یعقوب، همسران، فرزندان و کنیزان خود را از رودخانهٔ یبوق عبور داد. این رودخانه را در نقشه‌ای که سرزمین دوازده قبیله را نشان می‌دهد، پیدا کنید. رودخانهٔ یبوق بین دریای جلیل (دریای کناره) و دریای مرده (دریای نمک) قرار دارد. این رودخانه حدوداً نیمهٔ راه بین این دو دریا جریان دارد که از شرق به رود یبوق می‌ریزد. یعقوب از حران که در شمال واقع است به سوی بئر شبع که در جنوب قرار گرفته سفر می‌کند. عیسو از سرزمین سعیر یا ادوم که از پشت به بئر شبع در جنوب می‌آید. **تمرین:** پس از آنکه یعقوب خانواده و تمام اموالش را از رودخانهٔ یبوق فرستاد، شبی را تنها به سر برد (پیدایش ۳۲: ۲۲-۲۴).

۱- در طول شب چه اتفاقی افتاد (آیات ۲۴-۲۶)؟

---

۲- یعقوب شب هنگام با مردی کشتی گرفت. گفته می‌شود که این مرد خدا بود. یعقوب بر او مسلط شد. آن مرد چه کرد (آیهٔ ۲۵)؟

---

۳- یعقوب در شرایط بسیار تنگ و دشواری قرار گرفت. برادرش در تعقیب او بود. در آیهٔ ۲۶، او از خدا چه درخواست کرد؟

---

۴- مرد در پاسخ نام یعقوب را پرسید. سپس به یعقوب گفت که پس از این نام او یعقوب نیست. نام جدید یعقوب چه بود؟

---

۵- اهمیت نام جدید او چه بود؟

---

۶- در آیهٔ ۲۹ می‌آموزیم که خدا یعقوب را برکت داد. یعقوب آن مکان را \_\_\_\_\_ نامید.

---

۷- این نام چه معنی دارد؟

---

۸- حقیقت مورد توجه دربارهٔ ران یعقوب چیست و اسرائیلی‌ها چه قواعدی را اجرا می‌کنند (آیهٔ ۳۲)؟

---

---

### بخش ۳

**تعلیم:** خداوند نام یعقوب را به اسرائیل تغییر داد. چندین سال پیش از آن خدا نام ابرام را به ابراهیم و سارای را به سارا عوض کرد. اعتقاد رایج این است که کسی که نام می‌گذارد، همان کسی است که قدرت را به آن شخص یا چیزی که نامیده است می‌بخشد. به طور مثال در پیدایش باب ۲ که آدم بود که حیوانات را نامگذاری کرد، و او بود که مسئولیت و اقتدار تسلط بر آنها را در دست داشت.

خداوند به شیوه‌ای غیرعادی یعقوب را ملاقات کرده است. در موقع کشتی با یعقوب خدا ران او را صدمه می‌زند و او را لنگ می‌کند. یعقوب درخواست برکت می‌نماید. مرد نام یعقوب را می‌پرسد و سپس به او می‌گوید که اسم جدید او اسرائیل است. نامگذاری یعقوب اختیار و قدرت عمل در زندگی او را به خداوند سپرد. او تحت مالکیت جدیدی و اعمال جدیدی قرار گرفت. خداوندی که با ابراهیم و اسحاق پیمان بسته بود، اکنون سخاوتمندانه زندگی یعقوب را برکت داده، او را از آن خود می‌داند. بنابراین، خدا یعقوب را برکت داد.

**کاربرد شخصی:** در عهد حاضر، چنین شرایطی چندان دشوار نیست. نام خود را در نظر آورید. به عنوان یک نوزاد، پدر و مادر شما را نامگذاری کرده‌اند. احتمالاً قبل از آنکه بیمارستان را ترک کنید، نام شما را تعیین کرده و در شناسنامه‌تان ثبت کرده بودند.

۱- در هنگام تولد چه نامی به شما دادند؟ \_\_\_\_\_

۲- نام شما چه معنی می‌دهد؟ \_\_\_\_\_

۳- آیا نام کسی را برای شما انتخاب کردند؟ \_\_\_\_\_

۴- چه کسی شما را نامگذاری کرد و اختیار و مسئولیت شما را در دست گرفت؟ \_\_\_\_\_

۵- از تصور اینکه کسی بر شما اقتدار داشته و حکومت می‌کند چه احساسی دارید؟ آیا این امر تازه‌ای است؟ نامی که اکنون دارید همیشه با شما بوده است؟ شاید فرزند خوانده هستید، یا ازدواج کرده‌اید و یا حتی طلاق گرفته‌اید و نام جدیدی دارید. چه افکاری دارید؟ \_\_\_\_\_

۶- همانطور که خدا نام یعقوب را تغییر داد و مسئولیت زندگی او را در اختیار گرفت، ما را نیز فرا می‌خواند و مایل است که مسئولیت ما را به دست گیرد. او می‌خواهد بر ما ریاست نماید و از ما می‌خواهد که قانون او را بپذیریم و او بر قلب‌های ما حکومت نماید. وقتی که برکت‌های خدا را در نظر می‌آورید که می‌خواهد خدای ما باشد، چه فکری به سر شما می‌آید؟ \_\_\_\_\_

**دعا:** خدایا، تصور اینکه تحت اختیار و فرماندهی تو باشیم، به نحوی ناآرام است. به این معنی است که من دیگر در کنترل زندگی خویش نیستم و اختیار دست تو است. نمی‌دانم که به چه صورتی است و نمی‌دانم که مسائل چگونه تغییر می‌کند و چه تفاوتی در آنچه که من انجام می‌دهم به وجود می‌آوری و زندگی من به چه صورتی در می‌آید. از تو می‌طلبم قلبم را همچون یعقوب آماده سازی که از تو استقبال نمایم و نخواهم تو را از دست بدهم تا آنکه مرا برکت دهی. از محبت عظیم و پایدار تو سپاسگزارم.

---

---

---

---

## بخش ۴

**تکلیف:** پیدایش ۳۳: ۱-۱۷ را بخوانید.

**تمرین:** تغییری در یعقوب رخ داده است. ببینید! یعقوب می‌بیند که برادرش با ۴۰۰ تن از سپاهیان می‌آید. یعقوب خانواده و افرادش را از کهنترین تا بزرگترین در صف قرار می‌دهد. اولین نفر در صف مستخدمان و فرزندان‌شان هستند. پس از آن لیه و در انتهای خط افراد مورد علاقه‌اش راحیل و یوسف دیده می‌شوند.

۱- آیه ۳ چه می‌گوید؟

---

یعقوب پیش رفته و رهبری را به دست می‌گیرد. او با فروتنی جلوی برادر خود تعظیم می‌کند. عیسو با دیدن برادر خود چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دهد؟

---

عیسو به سوی یعقوب دوید و او را در آغوش گرفت و بوسید و هر دو با هم گریستند! دل‌تان می‌خواست که آنجا باشید؟ چه شادمانی‌ای!

۲- در آیات ۵ تا ۷ عیسو به خانواده یعقوب معرفی می‌شود. یعقوب نزد برادر خود اعتراف می‌کند که فرزندان او «آن \_\_\_\_\_ که خداوند آنها را \_\_\_\_\_ به خادم شما.» این عزیزان خوشبختانه از طرف \_\_\_\_\_ به یعقوب داده شده‌اند.

۳- سپس عیسو درباره «تمام این همراهان که دیدم» می‌پرسد. در آیه ۸ یعقوب چه اعترافی می‌نماید؟

---

۴- توجه کنید که چه اصرار و امتناعی بین برادران وجود دارد. ابتدا در آیه ۹ عیسو هدیه یعقوب را امتناع می‌کند. او چه می‌گوید؟

---

۵- اما یعقوب اصرار می‌ورزد. او چه می‌گوید؟

---

یعقوب می‌خواهد به برادرش اعتراف کند که خداوند به او لطف کرده است که برادرش با محبت او را می‌پذیرد. تمام نیازهای او برآورده شده است (آیه ۱۱). سرانجام با اصرار یعقوب، عیسو هدایای یعقوب را می‌پذیرد.

۶- عیسو قصد دارد یعقوب را تا سرزمین سعیر همراهی کند اما یعقوب نقشه دیگری دارد. با کلمات خودتان بنویسید که یعقوب به برادرش چه می‌گوید؟

---

---

۷- عیسو می‌خواهد چند تن از افراد خود را جهت کمک به یعقوب در راه سفر آنجا بگذارد، اما پاسخ یعقوب چیست؟

---

۸- پس در آیه ۱۶ عیسو به سعیر یا ادوم بر می‌گردد. یعقوب چه می‌کند؟

---

او به طرف سکوت که در جهت مخالف سعیر است راه می‌افتد. در سکوت مکانی برای خانواده خود و پناهگاهی برای حیواناتش می‌سازد.

**بازتاب:** وقتی که عیسو به طرف یعقوب دوید، چه آرامشی باید به یعقوب دست داده باشد که برادرش او را در آغوش بگیرد، بیوسد و با هم از خوشحالی دیدار مجدد گریه کنند. هدایای او که برای آرام کردن برادرش در نظر گرفته شده بود، ضرورتی نیافت اما با خوشرویی به شرط آنکه باز هم همدیگر را ببینند پذیرفته شد. این برادرها دوقلو بودند. به این صورت نبود که از یک خانواده بزرگ آمده باشند، بلکه این دو پسر فرزندان اسحاق و ربکا بودند.

جالب توجه است که یعقوب با برادرش به سرزمین سعیر نرفت، بلکه اعتقاد داشت که خدا او را فرا خوانده است که به سرزمین پدرش برگردد، سرزمینی که خدا به یعقوب و فرزندان او وعده داده بود.

**کاربرد شخصی:** صلح و آشتی بین دو برادر برقرار شده بود. آیا کسی در زندگی شما وجود دارد که نیاز به تسلی و ترمیم رابطه با او داشته باشید؟ چه چیزی به وجود آمد و یا چه حرفی پیش آمد که ناراحتی برای هر یک از شما ایجاد نمود؟

---

خداوند نسبت به یعقوب رحم و شفقت داشت که شفا و یکپارچگی را بین این دو برادر برقرار نمود. خدا می‌تواند شرایط ناراحت و شکستگی‌های شما را نیز شفا بخشد.

**دعا:** خداوندا، تو با رحم و بخشش خود همه چیز را به من داده‌ای. من شایستگی هیچکدام را ندارم. گاهی اوقات فکر می‌کنم بیشتر نیاز دارم. گاهی اوقات بیشتر می‌خواهم اما وقتی که صادقانه تمام آنچه را به من دادی در نظر می‌گیرم، فقط می‌توانم از تو سپاسگزاری کنم. آنهایی را که ناراحت کرده و از خود رنجانیده‌ام به من نشان بده. به من شجاعت بده تا بخشش بطلبم و برای شفا تمام ناراحتی‌ها و شکستگی‌ها بین خودمان به تو اعتماد نمایم. تو تنها کسی هستی که ما را دوست داری و به ما قدرت می‌دهی که در صلح و آرامش با یکدیگر زندگی کنیم.

---

---



## بخش ۵

**تعلیم:** چندین درس را مقدمتاً به یعقوب احساس دادیم که دوقلوی فریب کاری بود که به کمک مادرش ربکا نه تنها حق نخست‌زادگی را از برادرش گرفت، بلکه برکت را نیز از پدر دریافت نمود. با او سفری به حران رفتیم. جایی که مکان امنی در فرار از عیسو به دست آورد. پس از آنکه یعقوب از دایی خود لابان فریب خورد، دو دختر او را به زنی گرفت. در آخرین درس به دوازده پسر یعقوب معرفی شدیم و بعد از رویارویی او با خدا، دیدیم که دو برادر در صلح و آرامش دوباره با یکدیگر دیدار کردند.

در پیدایش ۳۵ می‌آموزیم که یعقوب عیسو را ترک کرد و به بیت‌ئیل جایی که در رویا با خدا برخورد کرده بود، برگشت (پیدایش ۲۸: ۱۰-۱۵). خداوند دوباره بر او ظاهر شد و او را برکت داد، نام او را اسرائیل نام نهاد (پیدایش ۳۵: ۹-۱۳). پس از آن در همین فصل می‌آموزیم که راحیل در هنگام زاییدن پسرش بنیامین درگذشت. بنیامین جوان‌ترین پسر از دوازده پسر یعقوب بود. او و برادرش یوسف به واسطه مادرشان راحیل مورد لطف یعقوب بودند. در آیات ۲۷-۲۹ پی می‌بریم که یعقوب به سرزمین پدرش در حبرون مراجعت کرد. اسحاق تا ۱۸۰ سالگی زندگی نمود و هنگامی که درگذشت، یعقوب و عیسو هر دو او را به خاک سپردند.

فصل ۳۶ گزارش اصل و نسب عیسو را به دست می‌دهد. آن سرزمین آنقدر بزرگ نبود که هر دو برادر بتوانند در آن به سر برند زیرا افراد و املاک و گله‌های فراوان داشتند. از اینرو عیسو در ادم اقامت گزید که بخش تپه‌ای کشور سعیر می‌باشد و پدر قوم ادومی‌ها شد. عیسو از خدای پدرش اسحاق رو برگرداند و از میان اقوام کنعانی و حیتی‌ها همسرانی برگزید. این مردمان قوم برگزیده خداوند نبودند.

آیا یعقوب و عیسو دوباره یکدیگر را دیدند؟ کتاب مقدس در اینبار چیزی نمی‌گوید. این را می‌دانیم که هنگامی که درباره عیسو در قسمت‌های دیگر کتاب مقدس می‌شنویم، گزارش مثبتی وجود ندارد. هنگامی که اسرائیلی‌ها آماده بودند وارد سرزمین وعده شوند، ادومی‌ها مشکلاتی برای آنها به وجود آوردند. ادومی‌ها خدایان دروغین را می‌پرستیدند.

چقدر جالب است که ابراهیم دو پسر داشت که اولی از خدای پدر روی گردان شد و به مصر رفت، در حالیکه پسر دومی، اسحاق، وعده‌ای را که خدا به پدرش داده بود دریافت نمود. حال اسحاق دو پسر دارد که یکی از آنها از خدای پدرش روی گردان می‌شود و به سرزمین ادم می‌رود، در حالیکه پسر دیگر، یعقوب، به سرزمین پدر در حران باز می‌گردد و وعده‌ای را که از پدر بزرگش به او رسیده دریافت می‌کند. از یک خانواده، یک پسر می‌آید و راه‌های پدر را می‌پذیرد و ادامه می‌دهد و دیگری کاملاً رو بر می‌گرداند و دور می‌شود.

**کاربرد شخصی:** خانواده خود را در نظر آورید و طرز رفتار و فکر خود را نسبت به شیوه و ارزش‌های والدین خود مورد دقت قرار دهید. در وهله اول بایستی ببینیم که آیا راه و شیوه والدین ما هماهنگ با خواست خدا بود یا نه. سپس در مورد شیوه آنها فکر کنیم. چه والدین و فرزندان، کارفرما و کارمند، شاگرد یا معلم، همه ما به عنوان افراد گناهکار در یک دنیای پر از گناه، عملی

را درست انجام نمی‌دهیم. و هنوز، می‌توانیم صدای عیسی را بشنویم که ما را دعوت می‌نماید به سوی او رفته و راه او را در پیش گیریم.

آیا قلب شما به سوی خداوند جلب شده که با وفاداری تمام نیازهای شما را برآورده می‌سازد؟ آیا قلب شما آماده است که به راه خدایی بروید که همواره از شما دعوت می‌نماید با او در رابطه‌ای باشید که شما را فرزند خود بخواند؟ زمانی که والدین دنیوی شکست می‌خورند، خداوند مشتاق است که پدر ما باشد و ما را فرزند خود می‌خواند. صفیا ۳: ۱۷ می‌گوید که خدا ما را بسیار دوست دارد. این آیه را بنویسید:

---

---

---

**به حافظه بسپارید:** صفیا ۳: ۱۷ یکی از آیاتی است که باید همیشه به خاطر داشت. این آیه تصویری بسیار زیبا از پدری است که از وجود فرزندش لذت می‌برد. بار دیگر شما را تشویق می‌کنم که این آیه را روی کارت‌های خود بنویسید و در روزهای آینده این آیات را در قلب خود نگاه دارید.

**دعا:** خداوند، تو مشتاقی که پدر ما باشی. گاهی اوقات تصورات ما از یک پدر به واسطه اعمال گناه‌آلود پدر دنیوی مان از بین رفته است. چشمان مرا بگشا تا ببینم که محبت تو زندگی مرا پر می‌سازد. محبت تو تمام نیازهای مرا برآورده می‌سازد. درک محبت تو از قدرت من خارج است. محبت تو سبب می‌شود که هرگز مرا ترک نکنی و همواره با من بوده مرا از ناملایمات محفوظ بداری. تو از من راضی هستی. درک این مسئله برای من دشوار است به ویژه هنگامی می‌دانم که به قلبم رخنه می‌کند. مرا با محبت خود آرام کن و با سرود به من شادی ببخش. من در تو آرام می‌گیرم.

بررسی این کتاب  
وفاداری خدا،  
امید ما

## بررسی

این تمرین به طور خاص برای آن تهیه شده است که رشد و دانش شما را از شخصیت‌های عهد عتیق: اسحاق، ربکا، عیسو و یعقوب، تایید و تضمین نماید.

۱- با کلمات خود با یک جمله، شخصیت‌های زیر را به طور خلاصه توصیف کنید:

الف. اسحاق: \_\_\_\_\_

ب. ربکا: \_\_\_\_\_

پ. عیسو: \_\_\_\_\_

ت. یعقوب: \_\_\_\_\_

۲- در عصر حاضر، احتمالاً این خانواده را به عنوان خانواده‌ای از هم گسیخته به شمار می‌آوریم. علیرغم شرایط انسانی آنها، توضیح دهید که وفاداری خداوند برای خانواده و برای پسران یعقوب چه مفهومی داشت:

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۳- رفتار و اعمال خداوند در مورد این خانواده هیچ ارتباطی با شیوه و نحوه زندگی آنها نداشت. هیچ عملی و یا اقدامی از جانب آنها نبودند که سبب شود خدا دیگر آنها را دوست نداشته باشد. چه چیز درباره خدا در این درس آموختید که باعث اعتماد شما نسبت به حقیقت خدا شد (یوحنا ۳: ۳۳) و از این جهت اعتماد دارید که او شما را آنقدر دوست دارد که عیسی را داد تا او تنها کسی باشد که به شما حیات ابدی بخشد (یوحنا ۳: ۱۶)? \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

۴- اسامی بی‌شماری از مردم و مکان‌ها آموختید. جهت تفریح و سرگرمی سعی کنید که اسامی زیر را با هم مربوط نمایید:

الف. سرزمین سعیر	۱. سرزمین کهن
ب. حران	۲. میراث نخستین فرزند
پ. لابان	۳. اجداد پدری اسرائیلی‌ها
ت. بیت‌ئیل	۴. مکانی که یعقوب رویا دید
ث. هدایا (ده‌یک)	۵. ادوم
ج. برکت دادن	۶. نام جدید یعقوب
چ. حق نخست‌زادگی	۷. یک ده از آنچه خدا به یعقوب داد
ح. پدرسالارها	۸. کلماتی که زندگی پسر را تعیین کرد
خ. اسرائیل	۹. برادر ربکا

تبریک! کتاب وفاداری خدا، امید ما را به پایان رساندید. با داستان‌های عهد عتیق آشنا می‌شوید. از طریق زندگی این شخصیت‌ها، شاهد محبت خداوند هستیم که برگزیده است با آنها در رابطه باشد. خداوند اشتیاق دارد که در رابطه‌ای مشابه با ما نیز زندگی نماید. او از من و شما دعوت می‌نماید. او دعوت می‌کند که او را به عنوان خدای خود و پسرش عیسی مسیح را به عنوان نجات‌دهنده و امید به حیات ابدی بپذیریم. به مطالعه خود با کوشش ادامه دهید. خبرهای بسیار خوب در راه است!

**دعا:** خداوند، تو پدر من هستی. در طریق آموزش کلامت، همواره خود را بیشتر بر من آشکار ساز. قلبم را بگشا تا کلام تو را در لابلای داستان‌های و زندگی افرادی که در زمان‌های قدیم انتخاب کردی، بشنوم. همواره به یادم بیاور که علیرغم گذشته و سابقه من، تو مرا برگزیدی. زندگی مرا با هدف و امید پر ساختی. همانگونه که مرا برکت دادی، باشد که من نیز دیگران را برکت دهم. این اراده تو است. اشتیاق تو از آن من نیز هست، زیرا همواره به من وفادار بوده‌ای. \_\_\_\_\_